



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



المراد  
عليه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# احکام سوپرمارکت و خوار و بار فروشی

پروفیسر ڈاکٹر  
احمد رضا بیگم  
ڈپٹی ایجوکیشنل آفیسر

سید جعفر رحمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی

نویسنده:

جعفر ربانی

ناشر چاپی:

معروف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۱	احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۲۶	سخن پژوهشکده
۳۲	مقدمه
۳۴	فصل اول: فروشگاه
۳۴	اشاره
۳۴	مباح بودن
۳۴	اشاره
۳۴	۱. ملکیت
۳۵	۲. اجاره
۳۵	۳. سرقفلی
۳۵	۴. عاریه
۳۶	غصب
۳۶	اشاره
۳۷	• مسئله
۳۷	نام و تابلو
۳۹	نصب آیات قرآن
۴۰	شیک بودن مغازه
۴۱	نصب تصویر
۴۲	کارمندان
۴۴	کارمندان زن

۴۴	.....	اشاره
۴۵	.....	استفتا از آیت الله بهجت
۴۶	.....	ازدحام نامحرمان
۴۶	.....	شوخی با نامحرم
۴۷	.....	دور بین های مدار بسته
۵۰	.....	فصل دوم: فروشندگان
۵۰	.....	اشاره
۵۰	.....	اطلاعات فقهی
۵۲	.....	معامله با کودکان
۵۲	.....	اشاره
۵۲	.....	الف) وساطت
۵۳	.....	ب) بدون وساطت
۵۴	.....	اجناس خارجی
۵۵	.....	معامله ربوی
۵۹	.....	تحويل جنس در منزل
۶۰	.....	نسیه و دیر کرد
۶۱	.....	مواد فاسد
۶۱	.....	اشاره
۶۱	.....	الف) مدیون شدن به مشتری
۶۱	.....	ب) قصاص
۶۲	.....	ج) دیه
۶۲	.....	د) ضمان
۶۲	.....	سید کالا
۶۳	.....	دریافت پول
۶۴	.....	جاگذاشتن جنس
۶۵	.....	تزیین کالا

۶۷	قسم خوردن
۶۹	گران فروشی
۷۲	احتکار
۷۴	فصل سوم: مشتری
۷۴	اشاره
۷۴	نسیه
۷۴	اشاره
۷۴	الف) امتناع فروشنده از نسیه
۷۵	ب) گران بودن نسیه
۷۶	ج) یاد داشت
۷۷	د) تعیین تاریخ پرداخت
۷۷	اشاره
۷۷	چند سؤال و پاسخ
۷۸	دریافت اضافه
۷۹	شک در حلال بودن کالا
۷۹	اشاره
۸۱	دو نکته
۸۱	شک در دین
۸۱	اشاره
۸۲	استفتا
۸۳	وارد کردن خسارت
۸۳	اشاره
۸۳	چند نکته
۸۶	فصل چهارم: مقدار کالا
۸۶	اشاره
۸۶	ریسک در مقدار

۸۷	اقسام تعیین
۸۷	نقش زمان و مکان
۸۸	ترازو
۸۸	اشاره
۸۸	الف) انواع ترازو
۸۹	ب) سلامت ترازو
۸۹	ج) برهم زدن نظم ترازو
۹۰	ابزار متعارف
۹۱	غیر متخصص
۹۱	فروشنده و وزن بیشتر
۹۲	خریدار و وزن کمتر
۹۲	بسته بندی
۹۴	فصل پنجم: معیوب بودن کالا
۹۴	اشاره
۹۴	تعریف عیب
۹۵	کیفیت تشخیص
۹۵	اشاره
۹۵	۱. عرف عام
۹۶	۲- عرف خاص
۹۶	نقش زمان و مکان
۹۶	امتحان
۹۷	اصل سلامت
۹۸	کراهت کتمان
۹۹	حد کراهت
۹۹	اطلاع از عیب
۹۹	موارد عدم تخییر



۱۰۰	موارد تفاوت قیمت
۱۰۱	تاریخ مصرف
۱۰۲	فصل ششم: مایعات
۱۰۲	اشاره
۱۰۲	شیر
۱۰۴	روغن
۱۰۵	مست کنندگی
۱۰۶	آبجو
۱۰۶	آب میوه
۱۰۶	اشاره
۱۰۹	سه نکته
۱۱۰	فصل هفتم: بهداشت
۱۱۰	اشاره
۱۱۲	مصادیق بهداشت
۱۱۳	سخنی با اداره بهداشت
۱۱۶	فصل هشتم: کم فروشی
۱۱۶	اشاره
۱۱۶	کم فروشی از منظر قرآن
۱۱۹	کم فروشی در تاریخ
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	الف) قوم حضرت شعیب علیه السلام
۱۲۰	ب) مردم مدینه قبل از هجرت
۱۲۰	مصادیق کم فروشی
۱۲۱	عُش در معامله
۱۲۳	ناخالصی
۱۲۳	اشاره

۱۲۴	استفتاء از آیت الله گلپایگانی
۱۲۵	فصل نهم: برهم زدن معامله
۱۲۵	اشاره
۱۲۵	لزوم
۱۲۷	استثنا
۱۲۸	مجوز های چهارده گانه برای فسخ
۱۲۸	اشاره
۱۲۸	۱. حق فسخ مجلس
۱۲۸	۲. حق فسخ غبن
۱۲۹	۳. حق فسخ عیب
۱۲۹	۴. حق فسخ شرط
۱۲۹	۵. حق فسخ تخلف شرط
۱۳۰	۶. حق فسخ تدلیس
۱۳۰	۷. حق فسخ رؤیت
۱۳۰	۸. حق فسخ تبعض صفت
۱۳۱	۹. حق فسخ تأخیر
۱۳۱	۱۰. حق فسخ حیوان
۱۳۱	۱۱. حق فسخ شرکه
۱۳۱	۱۲. حق فسخ تعذر تسلیم
۱۳۲	۱۳. حق فسخ آنچه زود فاسد می شود
۱۳۲	۱۴. حق فسخ تفلیس
۱۳۳	استحباب اقاله
۱۳۴	فهرست منابع
۱۳۶	درباره مرکز

## احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: ربانی، سیدجعفر، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی / سیدجعفر ربانی؛ ویراستار ابوالفضل علی دوست؛ به سفارش ستاد امر به معروف و نهی از منکر، پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر.

مشخصات نشر: قم: نشر معروف □ ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.. س. م ۱۹/۵×۱۱؛

فروست: فقه و زندگی؛ ۳۶.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۲-۶۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۹-۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: فروشندگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Selling -- Religious aspects -- Islam

موضوع: سوپرمارکت ها

موضوع: Supermarkets

موضوع: فروشگاه ها و مغازه ها

موضوع: Stores, Retail

شناسه افزوده: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر. پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره: BP۲۵۴/۶۵ ر ۲ الف ۳ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۶۴۳۳۳

ص: ۱

اشاره







## فهرست مطالب

سخن پژوهشکده ..... ۱۱

مقدمه ..... ۱۷

فصل اول: فروشگاه

مباح بودن ..... ۱۹

۱. ملکیت ..... ۱۹

۲. اجاره ..... ۲۰

۳. سرقتی ..... ۲۰

۴. عاریه ..... ۲۰

غصب ..... ۲۱

مسئله ..... ۲۲

نام و تابلو ..... ۲۲

نصب آیات قرآن ..... ۲۴

شیک بودن مغازه ..... ۲۵

نصب تصویر ..... ۲۶

ص: ۵



کارمندان ..... ۲۷

کارمندان زن ..... ۲۹

• استفتا از آیت الله بهجت ..... ۳۰

ازدحام نامحرمان ..... ۳۱

شوخی با نامحرم ..... ۳۱

دوربین های مدار بسته ..... ۳۲

### فصل دوم: فروشندگان

اطلاعات فقهی ..... ۳۵

معامله با کودکان ..... ۳۷

الف) وساطت ..... ۳۷

ب) بدون وساطت ..... ۳۸

اجناس خارجی ..... ۳۹

معامله ربوی ..... ۴۰

تحويل جنس در منزل ..... ۴۴

نسیه و دیرکرد ..... ۴۵

مواد فاسد ..... ۴۶

الف) مدیون شدن به مشتری ..... ۴۶

ب) قصاص ..... ۴۶

ج) دیه ..... ۴۷

د) ضمان ..... ۴۷

سید کالا..... ۴۷

دریافت پول ..... ۴۸

جا گذاشتن جنس ..... ۴۹

ص: ۶

۵۰..... تزیین کالا

۵۲..... قسم خوردن

۵۴..... گران فروشی

۵۷..... احتکار

فصل سوم: مشتری

۵۹..... نسیه

۵۹..... الف) امتناع فروشنده از نسیه

۶۰..... ب) گران بودن نسیه

۶۱..... ج) یادداشت

۶۲..... د) تعیین تاریخ پرداخت

۶۲..... چند سوال و پاسخ

۶۳..... دریافت اضافه

۶۴..... شك در حلال بودن کالا

۶۶..... دو نکته

۶۶..... شك در دین

۶۷..... استفتاء

۶۸..... وارد کردن خسارت

۶۸..... چند نکته

فصل چهارم: مقدار کالا

۷۱..... ریسک در مقدار

اقسام تعیین ..... ۷۲

نقش زمان و مکان ..... ۷۲

ص: ۷

- ترازو ..... ۷۳
- الف) انواع ترازو ..... ۷۳
- ب) سلامت ترازو ..... ۷۴
- ج) برهم زدن نظم ترازو ..... ۷۴
- ابزار متعارف ..... ۷۵
- غیر متخصص ..... ۷۶
- فروشنده و وزن بیشتر ..... ۷۶
- خریدار و وزن کمتر ..... ۷۷
- بسته بندی ..... ۷۷

#### فصل پنجم: معیوب بودن کالا

- تعریف عیب ..... ۷۹
- کیفیت تشخیص ..... ۸۰
- ۱، عرف عام ..... ۸۰
- ۲- عرف خاص ..... ۸۱
- نقش زمان و مکان ..... ۸۱
- امتحان ..... ۸۱
- اصل سلامت ..... ۸۲
- کراهت کتمان ..... ۸۳
- حد کراهت ..... ۸۴
- اطلاع از عیب ..... ۸۴

موارد عدم تخيير ..... ٨٤

موارد تفاوت قيمت ..... ٨٥

تاريخ مصرف ..... ٨٦

ص: ٨

## فصل ششم: مایعات

شیر..... ۸۷

روغن..... ۸۹

مست کنندگی..... ۹۰

آبجو..... ۹۱

آب میوه..... ۹۱

سه نکنه..... ۹۴

## فصل هفتم: بهداشت

مصادیق بهداشت..... ۹۷

سخنی با اداره بهداشت..... ۹۸

## فصل هشتم: کم فروشی

کم فروشی از منظر قرآن..... ۱۰۱

کم فروشی در تاریخ..... ۱۰۴

الف) قوم حضرت شعیب (علیه السلام)..... ۱۰۴

ب) مردم مدینه قبل از هجرت..... ۱۰۵

مصادیق کم فروشی..... ۱۰۵

غش در معامله..... ۱۰۶

ناخالصی..... ۱۰۸

• استفتا از آیت الله گلپایگانی..... ۱۰۹

## فصل نهم؛ برهم زدن معامله

لزوم ..... ۱۱۰

ص: ۹



- استثنا ..... ۱۱۲
- مجوزهای چهارده گانه برای فسخ ..... ۱۱۳
۱. حق فسخ مجلس ..... ۱۱۳
۲. حق فسخ غبن ..... ۱۱۳
۳. حق فسخ عیب ..... ۱۱۴
۴. حق فسخ شرط ..... ۱۱۴
۵. حق فسخ تخلف شرط ..... ۱۱۴
۶. حق فسخ تدلیس ..... ۱۱۵
۷. حق فسخ رؤیت ..... ۱۱۵
۸. حق فسخ تبعض صفت ..... ۱۱۵
۹. حق فسخ تأخیر ..... ۱۱۶
۱۰. حق فسخ حیوان ..... ۱۱۶
۱۱. حق فسخ شرکه ..... ۱۱۶
۱۲. حق فسخ تعذر تسلیم ..... ۱۱۶
۱۳. حق فسخ آنچه زود فاسدمی شود ..... ۱۱۷
۱۴. حق فسخ تفلیس ..... ۱۱۷
- استحباب اقاله ..... ۱۱۸
- فهرست منابع ..... ۱۱۹

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی در مرحله شناخت مستلزم سه گام است:

شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزوجل

شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی

شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت.

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی

ومعاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهش های ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتاب های فقه و زندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و باید ها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی و دست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سالهای ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت های ستاد امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی فقه و زندگی توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، پی ریزی شد. هدف طرح، تألیف و تدوین مجموعه کتاب هایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود، با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سال های آغاز کمک خوبی

به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال و حرام مشاغل بشمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگر از

طرحها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینه احکام فقهی بسیاری اصناف الاری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه بسیاری از کسبه محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد امر به معروف و نهی از منکر حجت الاسلام والمسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال ۱۳۹۳ ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سال های آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمدحسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از

حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و نظارت جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد تقی علوی و همکاری گروهی از فضیلابی حوزه علمیه قم در پژوهشکده امر به معروف پیگیری می شود،

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام

وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام براساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد و تفقه و اجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کارنشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال ۱۳۹۳ ش بدین شرح است:

احکام صنف طلاوجواهر

احکام تلفن همراه

احکام بازی های رایانه ای

احکام صنف اتوبوسرانی

احکام صنف فرش و تابلو فرش

احکام صنف کیف و کفش (سراجان)

احکام صنف ماهی فروشان

احکام صنف ناشران

احکام صنف پوشاک

احکام صنف نانویان

احکام صنف رایانه و اینترنت

احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

احکام صنف اغذیه فروشان

احکام صنف پارک ها

احکام عمومی کسب و کار

احکام صنف قهوه خانه ها

احکام صنف الکتریکی

احکام صنف عطاری و دارو گیاهی

احکام صنف لوازم صوتی و تصویری

احکام بیمه ها

این دفتر از فقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین سیدجعفر ربانی پدید آمده به احکام میوه و تره بار اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و دست اندرکاران محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثریاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسئولان ستادهای امر به معروف، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گام هایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

الشریف ، توحید و عدالت در سراسر عالم حاکم گردد. آن شاء الله.

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

fmaroof.ir info@fmaroof.ir

ص: ۱۶

صنف «سوپر مارکت» و «خوار بار فروشی» مثل بسیاری از اصناف، از خدمتگزاران جامعه و تلاش گران اقتصاد کشورند و از چند زاویه دارای شرایط خاصی هستند. برخی از ویژگی های این صنف عبارت است از:

۱. این صنف توزیع کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه را عهده دار است؛
۲. مواد خوراکی موجود در سوپرها و خواربار فروشی ها، مورد اهتمام احکام شرع است؛
۳. اجناس موجود در خوار بار فروشی ها و سوپرمارکت ها متنوع هستند؛
۴. رایج ترین شغل که در هر کوی و برزن مشاهده می گردد، همین صنف است؛
۵. همه قشرهای جامعه بدون استثنا با این شغل و با این



۶. خوار بار فروشی صبغه «سنتی» به خود گرفته و از حرفه هایی است که دارای سابقه دیرینه می باشد؛

۷. در صد قابل توجهی از فروشندگان خوار و بار را قشر «دین مدار» و ملتزم به حلال و حرام الاهی تشکیل می دهد.

از سوی دیگر، ضرورت توجه به احکام خرید و فروش، امری اجتناب ناپذیر می نماید؛ چرا که نقش لقمه های حلال و حرام در پیدایش صلاح و فساد در فرهنگ دینی و شیعی برای همگان امری واضح است.

با توجه به مقدمه مزبور، در این نوشتار، احکام مربوط به «صنف سوپرمارکت ها و خواربار فروشی» را بررسی و نکاتی را در این زمینه مطرح می کنیم.

لازم می دانم از مسئولان «پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر» تشکر کنم و آرزوی توفیقات بیش تر را برای دست اندرکاران این مؤسسه محترم داشته باشم.

### اشاره

«محل کسب»، دارای احکامی است که در این فصل نکاتی در این زمینه بیان می کنیم:

### مباح بودن

#### اشاره

تصرف در مکان، فرع بر اباحه آن می باشد؛ بدین معنی که کسی مجاز نیست جایی را به اشغال خود در آورد، مگر آن که برای او حلال باشد.

حلال بودن مکان فروش، در گرو یکی از این موارد است:

#### ۱. ملکیت

شخصی می تواند در هر مال و از جمله در مغازه تصرف

ص: ۱۹

کند که مالک آن باشد؛ و تفاوت نمی کند که ملکیت، از طریق خریدن حاصل شده باشد، یا ارث، یا هدیه.

## ۲. اجاره

مستأجر، مالک منافع (حق استفاده) می باشد. قابل ذکر است که با پایان یافتن مدت اجاره، ماندن مستأجر در محل کسب، حکم غصب را پیدا می کند، مگر آن که مالک مکان، رضایت دهد.

## ۳. سرقفلی

«سرقفلی» عبارت است از این که «حق مدیریت ملک» به شخص دیگر واگذار شود (به استثنای فروش)؛ اعم از این که خود او استفاده کند، یا دیگری.

## ۴. عاریه

«عاریه» عبارت است از این که مالک، مال خود را در اختیار دیگری قرار دهد تا او به طور رایگان از مال مالک استفاده کند. در غیر موارد مذکور، استفاده از مال مالک، عنوان «غصب» به خود خواهد گرفت.

ص: ۲۰

«غصب» یکی از گناهان محسوب می‌گردد که هم عقل بر قبیح بودن آن قضاوت می‌کند و هم آیات و روایات فراوان، ما را بر حرمت آن رهنمون می‌گردد. علاوه بر این که حرمت غصب مورد اتفاق مسلمین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سخنرانی خود چنین فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ (۱)؛ ای مردم! مؤمنین با یکدیگر برادرند؛ مال مؤمن برای برادرش حلال نیست، مگر از روی رضایت مالک».

امام خمینی می‌نویسند :

کسانی که خانه یا دکان یا غیر آن‌ها را از صاحبانش اجاره می‌کنند، مدت اجاره که به سررسید، حرام است بدون اذن صاحب محل در آن جا اقامت کنند و باید محل را فوراً با عدم رضایت صاحبش تخلیه کنند و اگر نکنند غاصب و ضامن محل، و ضامن مثل مال الاجاره آن هستند و برای آن‌ها به هیچ وجه حقی شرعاً نیست؛ چه مدت اجاره آن‌ها کوتاه باشد

ص: ۲۱

یا طولانی، و چه بودن آن‌ها در مدت اجاره موجب زیادت ارزش محل شده باشد یا نه، و چه بیرون رفتن از محل، موجب نقص در تجارتشان باشد یا نه (۱).

#### ● مسئله

۱. کسی که در محل غصبی معامله کند، گرچه گناه کرده و اجرت مکان را به مالک آن مدیون می باشد؛ معاملاتش صحیح است، به شرط آن که سرمایه از آن خودش باشد. در غیر این صورت، تمام سود حاصل شده مال مالک سرمایه است.

۲. نماز خواندن در مکان غصبی به فتوای بیشتر فقها باطل است.

۳. روزه گرفتن در مکان غصبی سبب بطلان آن نمی گردد؛ گرچه ماندن در مکان غصبی کار حرامی محسوب می شود.

#### نام و تابلو

در حدیث آمده است که یکی از اقدامات فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تغییر نام های زشت اشخاص و شهرها بود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُعَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ

ص: ۲۲

بر این اساس، لازم است صاحبان سوپرمارکت ها و بقالی ها در انتخاب نام و تابلو فروشگاه خود دقت کنند و از اسم هایی که در بردارنده نکات منفی، تهاجم فرهنگی یا ترویج کفر است، پرهیز کنند و حتی در انتخاب نوع خط تابلو فروشگاه دقت داشته باشند و از خطوطی استفاده کنند که با فرهنگ بومی ما سازگار است.

در مورد نام گذاری برای اشخاص، به این ماجرا توجه کنید:

یعقوب سراج می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم؛ دیدم ایشان در کنار گهواره فرزند نوزاد خود، موسی بن جعفر علیه السلام قرار دارند و با آن حضرت به طور سرّی و طولانی صحبت می کنند.

نشستم تا امام صادق علیه السلام از صحبت با فرزندشان فارغ شدند. آن گاه حضرت به من رو کرده، فرمودند: به مولایت نزدیک شو و بر ایشان سلام کن! نزدیک شدم و بر آن حضرت در گهواره سلام کردم؛ موسی بن جعفر علیه السلام جواب سلام مرا با زبان فصیح دادند؛ سپس به من فرمودند: نام دختری را که دیروز بر او

ص: ۲۳

نام نهاده ای تغییر ده؛ زیرا آن نام را خداوند دشمن می دارد.

امام صادق علیه السلام به من فرمودند: امر مولایت را اطاعت کن! من امثال نموده، نام دخترم را تغییر دادم. (۱)

## نصب آیات قرآن

شایسته است که صاحبان سوپرمارکت ها و بقالی ها محل کسب خود را با آیاتی از قرآن مزین کنند. این امر می تواند سه فایده در بر داشته باشد :

۱. متبرک شدن محل کسب با کلام خداوند؛

۲. بهره مند شدن از فواید معنوی آیات قرآن، مانند آیه و ان یکاد(۲)؛

ص: ۲۴

۱- منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۴۶۷.

۲- وَ اِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِاَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ اِنَّهٗ لَمَجْنُونٌ (سوره قلم آیه ۵۱). مفسرین در شأن نزول آیه شریفه «و ان یکاد» آورده اند : برخی از بنی اسد به شوری چشم مشهور بودند، تا آن جا که شتر فربه و گاو چاق را نظر می زدند و با اطمینان به کنیزشان می گفتند پول و پیمانہ بردار و برو از او گوشت بخر! دیری نمی کشید که شتر چشم خورده مشرف به مرگ می شد و صاحبش به ناچار آن را قربانی کرده، گوشتش را می فروخت. نیز نقل شده است مرد بد چشمی بود که برای نظر زدن دو سه روز چیزی نمی خورد؛ سپس گوشه خیمه اش را بلند می کرد و اگر گله ای از آن ها می گذشت و او می گفت : امروز شتر و بز و گوسفندی از این بهتر چرانیده نشده؛ دیری نمی گذشت که چند تا از آن حیوانات می مردند! کفار از آن مرد درخواستند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نظر بزند و همان آسیب را به حضرت برساند. خدای تعالی پیغمبرش را از چشم زخم مصون داشت و آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم را نازل فرمود (اسباب النزول، ترجمه ذکاوتی، ص ۲۳۴).

### شیک بودن مغازه

بسیاری از صاحبان سوپرمارکت ها به فروشگاه خود رسیدگی می کنند و آن را به صورتی زیبا شکل می دهند. این کار نه تنها اشکال ندارد، بلکه مورد تأیید قرآن مجید است :

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱)؛

ای پیامبر! بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: این ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند [اگر چه دیگران نیز با آن ها مشارکت دارند؛] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات [خود] را برای کسانی که آگاهند، شرح

ص: ۲۵



## نصب تصویر

برخی مغازه داران برای زیبایی فروشگاه و جلب مشتری، عکس ها و تابلوهایی را بر در و دیوار محل کسب خود نصب می کنند. سؤال این است که حکم این تصاویر چیست؟

پاسخ این است که تزئین مغازه و فروشگاه ها به وسیله تصویر اشکال ندارد، به شرط آن که ترویج فرهنگ کفر، انحراف فکری و مهیج شهوت نباشد.

استفتا از آیت الله مکارم: فرش ها و کوبلن هایی با تصاویر زنان سر برهنه، یا رقصی های دسته جمعی بافته می شود؛ همچنین عکس های مینیاتوری که با همین مضامین کشیده می شود. تهیه، تولید، خرید، فروش و نصب آن ها در منازل یا مغازه ها چه صورتی دارد؟

جواب: با توجه به این که این عکس ها ترویج فساد است، تولید و خرید و فروش و نگهداری آن اشکال دارد.

استفتای دیگر: اخیراً تهیه و توزیع تصاویر مهیج شهوت در شکل های مختلف و بعضاً به بهانه عرضه آثار هنری و عرفانی، بر روی کاشی ها، لباس ها، کارت های تبریک و مانند آن شایع گردیده است؟ نظر مبارک نسبت به موارد ذیل

ص: ۲۶

چیست؟

الف) خرید و فروش این گونه تصاویر چه حکمی دارد؟

ب) وظیفه فروشندگان نسبت به محو تصاویر مبتذل که بر روی اجناسی مانند لباس، صابون، بسته های شیرینی و امثال این هاست؛ چیست؟

ج) مزد کارگران و بناها در قبال نصب کاشی هایی که به این گونه تصاویر منقش می باشد، چه حکمی دارد؟

د) آیا نصب تصاویر مذکور در معرض دید افراد جایز است؟

جواب: استفاده از تصاویر مبتذل و فسادانگیز، به هر نحو که باشد، جایز نیست، و ترویج آن نیز شرعاً ممنوع است، و مزد گرفتن در برابر آن مجاز نمی باشد، و چنانچه بتوانند باید آن را محو کنند(۱).

### کارمندان

در برخی از سوپرمارکت های بزرگ، کارمندان متعددی تحت مدیریت واحد، مشغول خرید و فروش هستند.

لازم است در این موارد به چند نکته توجه شود:

الف) از استخدام افراد غیر امین خود داری کنند و

ص: ۲۷

---

۱- استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۳، ص ۱۵۱.

دقت کامل را در این مسیر به کار گیرند؛ زیرا به کار گرفتن افراد خائن و بی بند و بار، به ضرر فروشگاه و مشتریان؛ بلکه ضرر جامعه خواهد بود.

ب) کارمندان، اجیر محسوب شده و پیمان بسته شده با آنان تحت عنوان «اجاره» منعقد می گردد. بر این اساس، بر کارمندان و مدیران واجب است طبق قرار داد عمل کنند.

ج) استخدام کارمندان زن، در مواردی که مراجعان اغلب یا همه مرد هستند، مناسب نیست؛ چرا که بنای شرع مقدس اسلام بر تعیین حریم برای زنان می باشد، نه این که از بانوان و دوشیزگان، «ابزار گونه» استفاده شود، یا به طور غیر متعارف در معرض نگاه نامحرمان قرار گیرند.

د) به کارمندان، آموزش های لازم داده شود، تا هم از حرام و حلال خداوند مطلع گردند و هم در برخورد با همه قشرهای جامعه رفتاری مناسب داشته باشند.

ه) - شیک پوش بودن کارمندان اشکالی ندارد، بلکه بسیار مطلوب است. به این حدیث دقت کنید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النُّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ (۱)؛

امام صادق علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام

ص: ۲۸

فرمودند: خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد و نیز دوست دارد آثار نعمت های خودش را در بنده اش ببیند. و رعایت شئون اسلامی و حدود الاهی در فضای کار، الزامی است و هیچ عاملی نباید باعث سستی در این مقوله شود.

## کارمندان زن

### اشاره

بر اساس آیات و روایات معصومین علیهم السلام زن کانون عاطفه، تربیت و محبت است که باید کرامت او حفظ گردد تا محیط خانه و خانواده مستحکم گردد.

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نامه ای خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام ضمن سفارش هایی می فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعِيدُ بِكِرَامَتِهَا نَفْسِيَةَ (۱)؛ زن، ریحانه و گل خوشبو است، نه قهرمان و میدان دار. مواظب باش کرامت زن را از بین نبری!».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تقسیم وظایف، تحصیل مخارج زندگی را بر عهده حضرت علی علیه السلام گذاردند و امور داخل منزل را بر عهده حضرت زهرا سلام الله علیها.

بر این اساس، عمده ترین رسالت بانوان عبارت است

ص: ۲۹

از: شوهر داری، تربیت نسل سالم و برقراری محبت بین اعضای خانواده.

البته در صورت ناگزیر بودن از استخدام کارمندان زن، لازم است به چند نکته توجه شود :

۱. حتی الامکان کارهایی به آنان واگذار شود که در داخل منزل قابل انجام دادن باشد. تا در صورت امکان، بانوان بتوانند وظایف کاری خود را در منزل انجام دهند.

۲. اگر کار زنان در داخل منزل ممکن نیست، محل کار آنان به صورتی باشد که با نامحرمان ارتباطی نداشته باشند؛

۳. به بانوان اطلاع داده شود که در محیط کار از به کار بردن آرایش خودداری کنند.

۴. به آنان اطلاع داده شود که زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد، بپوشاند. (۱)

### استفتا از آیت الله بهجت

آیا پوشیدن و آرایش کردن طبق مد روز اشکال دارد؟

جواب: اگر ترویج کفر کافر نباشد، اشکال ندارد؛ لکن در مقابل نامحرم باید مراعات کنند (۲)

ص: ۳۰

---

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲- استفتائات آیت الله بهجت، ج ۴، ص ۱۸۰.

## ازدحام نامحرمان

در برخی از ساعات، فروشگاه‌ها شلوغ می‌شوند. در این میان، چه بسا افراد آلوده به گناه که مکان‌های شلوغ را بهانه یا زمینه سوءاستفاده خود شمرده و از این گونه محل‌ها در جهت نافرمانی پروردگار، بهره می‌برند.

لازم است فروشندگان به این گونه افراد فرصت ندهند و تدبیری بیندیشند تا محل کسب و کار آنان از آلودگی به گناه پاک شود و تا کارشان برکت یابد.

خداوند می‌فرماید: **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱)**؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی [آن‌ها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

## شوخی با نامحرم

از دیگر نکاتی که رعایت آن ضروری است، پرهیز از شوخی با نامحرم است. گاهی اوقات مشاهده می‌گردد که

ص: ۳۱

فروشنده با زنان نامحرم شوخی می کند. باید توجه داشت که امامان معصوم علیهم السلام ما از این کار منع کرده اند.

به این جریان توجه کنید:

ابا بصیر (از اصحاب امام صادق علیه السلام) می گوید: من برای خانمی کلاس خصوصی درس قرآن داشتم. روزی با او شوخی کردم. پس از مدتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. آن حضرت مرا سرزنش نموده، فرمودند: کسی که در خلوت خود مرتکب گناه گردد، خداوند به او اعتنایی نخواهد کرد. آن گاه خطاب به ابابصیر فرمودند: به آن زن چه گفتی!؟

ابا بصیر می گوید: از خجالت، چهره خود را پوشاندم و توبه کردم.

امام باقر علیه السلام فرمودند: دیگر تکرار نشود! (۱)

### دور بین های مدار بسته

یکی از ابزارهای «محافظتی» که در مراکز حساس و برخی سوپرمارکت ها رایج شده است، «دوربین های مدار

ص: ۳۲

---

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ أُقْرِئُ امْرَأَةَ الْقُرْآنِ بِالْكُوفَةِ فَمَا زَحَّتْهَا بِشَيْءٍ - فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاتَبَنِي - وَقَالَ مَنْ اِزْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْنِ اللَّهُ بِهِ - أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ - فَعَطَّيْتُ وَجْهِي حَيَاءً وَ تَبْتُ - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَعُدْ (الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۹۴).

بسته» می باشد. در این زمینه مطالبی قابل یادآوری است :

الف) دور بین مدار بسته فقط می تواند به منظور «امنیت» فروشگاه به کار گرفته شود، نه امر دیگر. بدیهی است چنانچه از این گونه وسایل برای کارهایی همچون کشف اسرار دیگران و نگاه به نا محرمان استفاده شود، خلاف شرع و گناه خواهد بود.

ب) دوربین مدار بسته را فقط می توان در محدوده فروشگاه و کوچه و خیابانی که با امنیت آن مرتبط می شود، به کار برد. بنابراین، چنانچه فرض کنیم فروشگاه بر مناطق دیگر (مانند منزل های مسکونی اطراف) اشرف دارد، هرگز جایز نیست از دوربین ها استفاده شود.

ج) دور بین های مدار بسته می تواند «حجت» و دلیل مناسبی برای مقامات قضایی باشد و برای پیگیری اشخاص دزد و متخلفین از قانون به کار گرفته شود؛ لذا این ایراد که آن چه در مقامات قضایی معتبر است، فقط دو شاهد عادل است، بی وجه می نماید؛ زیرا آنچه ملاک است، علم قاضی می باشد که می تواند از طریق این گونه وسایل هم حاصل شود. البته تمام آنچه ذکر شد، مشروط به این است که از سالم بودن دوربین و عدم دست کاری آن اطمینان به دست آید.

د) در صورت منعکس شدن تصویر یا فیلم شخص



متخلف به وسیله دوربین، لازم است به تطابق عکس و فیلم با چهره مورد نظر اطمینان کامل حاصل شود. بنابراین، اگر چهره، مخدوش و ناپیدا است، هرگز نمی توان اشخاص را به تخلف متهم کرد، مگر آن که با شواهد و قرائن دیگر، علم و یقین پیدا شود.

ص: ۳۴

### اشاره

برخی از احکام شرعی به «فروشندگان» و به خصوص «فروشندگان مواد خوراکی و نوشیدنی» مرتبط است. از این رو، ذکر دستور العمل ها و قوانینی در خصوص فروشندگان سوپرمارکت ها و بقالی ها، دارای اهمیت خاصی است. در این زمینه مطالبی به شرح ذیل قابل طرح است:

### اطلاعات فقهی

اقدام به خرید و فروش، مستلزم اطلاع از احکام شرعی است. امام خمینی در این زمینه می نویسد :

بر کسی که می خواهد در صدد تجارت یا سایر درآمدها برآید، لازم است احکام و مسائل مربوط به آن ها را بداند تا

ص: ۳۵

معاملات صحیح و سالم را شناخته از «ریا» در امان ماند(۱).

بر این اساس، لازم است که فروشنده در زمینه فراگیری احکام خرید و فروش، به مؤلفه های زیر توجه کند:

الف) یادگیری احکام شرعی به طور فشرده و کوتاه مدت؛

ب) به همراه داشتن رساله مرجع تقلید خود در محل کار، تا هنگام شک در حکم شرعی، به آن کتاب مراجعه کند؛

ج) به همراه داشتن شماره تماس با دفتر مرجع تقلید خود یا هر متخصصی که توانایی پاسخ دادن به سؤالات شرعی را داشته باشد.

قابل ذکر است که بر اساس روایات رسیده از معصومین علیهم السلام، برای فراگیری آموزه های دینی پاداش فراوانی بیان شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله وسلم به اباذر فرمودند: «ای اباذر! یک ساعت در جلسه علم نشستن، نزد خداوند از بیدار ماندن هزار شب که در شب هزار رکعت نماز خوانده شود(۲)، بهتر است».

ص: ۳۶

---

۱- تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۵۰۰: «يجب على كل من يباشر التجاره و سائر أنواع التكسب تعلم أحكامها و المسائل المتعلقة بها ليعرف صحيحها عن فاسدها و يسلم من الربا...».

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۴: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكَرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ قِيَامِ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُصَلِّي فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكُوعَةٍ...».

چند نکته توجه به این بحث را ضروری می سازد:

الف) بیش تر کودکان، با احکام شرعی آشنایی ندارند؛

ب) از آن جا که گفته می شود: «کودکان تکلیف ندارند»؛ ممکن است این جمله سبب جرأت برخی از آنان برای ارتکاب معاملات باطل و کارهای حرام گردد؛

ج) یکی از شرایط معاملات، بلوغ است؛

د) اجناس و خوراکی های موجود در سوپرمارکت ها، برای اطفال و اشخاص نا بالغ جذآبیت خاصی داشته و لذا یکی از مشتریان «پرو پا قرص» سوپرمارکت ها و بقالی ها را کودکان تشکیل می دهند.

مطالب مذکور و موارد مشابه، ضرورت توجه به بحث معامله با کودکان را ضروری می سازد. بر این اساس، باید دید معامله با «افراد نا بالغ» داری چه حکمی است؟

در پاسخ باید گفت: معامله با کودکان، ممکن است به یکی از دو صورت اتفاق افتد :

### الف) وساطت

مقصود از «وساطت نابالغ» این است که فروشنده در غیاب خود، فرد غیر مکلف را به جای خویش برای

فروشنده‌گی قرار دهد، یا این که پدر، مادر یا یکی از اشخاص بالغ، کودک را برای تهیه اجناس مورد نیاز، به بقالی یا سوپر مارکت گسیل کند.

با این فرض، در حقیقت، معامله بین دو بالغ واقع می‌شود و کودک در این بین، نقش واسطه‌ای برای نقل و انتقال پول و کالا است. بدیهی است در فرض مزبور معامله محکوم به صحت خواهد بود.

### **(ب) بدون وساطت**

در مقابل فرض مذکور، گاهی اوقات کودکان، به طور «مستقل» و بدون وساطت، خود به خرید و فروش مبادرت می‌ورزند. این فرض، مورد بحث فقها می‌باشد و لازم است فروشندگان محترم برای اطلاع از صحت، یا عدم صحت معامله با افراد نابالغ، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنند.

در رساله امام خمینی ضمن مسئله ۱۹۷۴ چنین آمده است:

۱. معامله با بچه نابالغ باطل است؛ اگر چه پدر یا جد او اجازه داده باشند که معامله کند؛
۲. بچه اگر ممیز باشد و چیز کم قیمتی را معامله کند که معامله آن برای بچه‌ها متعارف است؛ اشکال ندارد؛

ص: ۳۸

۳. اگر طفل، وسیله ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا برعکس؛ چنین معامله ای صحیح است. البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند(۱).

## اجناس خارجی

برخی از مواد غذایی از کشورهایی که کُفار(۲) در آن جا زندگی می کنند، وارد می گردد. به این سرزمین ها، «کشورهای کُفر» گفته می شود.

یکی از سؤالاتی که معمولاً برای دست اندر کاران مواد غذایی و خوراکی ها و نوشیدنی ها و حتی برای عموم جامعه مطرح است، این که آیا استفاده از خوردنی ها و نوشیدنی هایی که از کشورهای کُفر به سرزمین اسلامی وارد می شود، جایز است یا نه؟

پاسخ این است که بین مواد داخلی و خارجی تفاوتی نیست و استفاده از همه آن ها شرعاً جایز است؛ به سه شرط:

اول: یقین نداشته باشیم چیز نجس در آن ها وجود دارد، یا به نجس برخورد کرده باشد؛

ص: ۳۹

---

۱- توضیح المسائل امام خمینی، ص ۴۲۷.

۲- مقصود این است که مردم آن سرزمین کافر هستند، اعم از این که دولت آن ها کافر باشد یا نه.

دوم: مواد غذایی از اعضای بدن حیوانات نباشد؛

سوم: مجتهد جامع الشرایط «حکم به منع» نداده باشد؛ اعم از این که ممنوعیت آن به دلیل جلوگیری از تقویت دولت کفر باشد یا هر مفسده دیگر.

### معامله ربوی

بحث در مقوله «ربا» در معاملات موضوعیت خاصی دارد و ائمه معصومین علیهم السلام در مورد آن، حساسیت نشان داده اند؛ به گونه ای که یکی از مهم ترین تذکرات آن بزرگواران به ارباب تجارت، هشدار نسبت به ربا است.

در روایتی آمده است:

اصبغ بن نباته (از اصحاب خاص امیر المؤمنین علیه السلام) می گوید: شنیدم از حضرت علی علیه السلام که بر فراز منبر می فرمودند: ای بازرگانان! اول آشنایی با احکام؛ سپس تجارت. اول آشنایی با احکام؛ سپس تجارت. به خدا قسم! ربا در این امت از راه رفتن مورچه ای بر روی سنگ، مخفی تر است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید. تاجر فاجر است و فاجر در آتش؛ مگر آن که حق بگیرد و حق پردازد(۱).

ص: ۴۰

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۴: «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِئَةِ تُمْ الْمَتَجَرَّ الْفِئَةَ ثُمَّ الْمَتَجَرَّ وَاللَّهُ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ دَيْبٌ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّافِ صُونُوا أَمْوَالَكُمْ بِالصَّدَقَةِ التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ».

در حدیث دیگر چنین آمده است: مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! می خواهم تجارت کنم. امام علی علیه السلام فرمودند: آیا احکام آن را آموخته ای؟ پاسخ داد: پس از اشتغال به تجارت، احکام شرعی آن را فرا می گیرم!

حضرت علی علیه السلام فرمودند: وای بر تو! اول آگاهی؛ سپس تجارت؛ زیرا کسی که خرید و فروش کند و از حرام و حلال سؤال نکند، آهسته آهسته در ربا فرو خواهد رفت (۱).

تذکر مهم در این زمینه این که ربا دارای دو قسم است: «ربای قرضی» و «ربای معاوضی».

ص: ۴۱

---

۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ قَالَ أَفَقِهْتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ، قَالَ وَيَحِيكَ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَشْجَرُ فَإِنَّهُ مِنْ بَاعٍ وَاشْتَرَى وَلَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَ لَا حَلَالٍ اِزْتَطَمَ فِي الرِّبَا ثُمَّ اِزْتَطَمَ (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷).



ربای قرضی مطلقاً حرام است و آن عبارت است از این که شخصی به دیگری قرض دهد و شرط کند مبلغی اضافه بر آن چه قرض داده است، دریافت کند.

آن چه بیشتر محور سخن ما است و با مباحث احکام سوپرمارکت ها مرتبط است، ربای معاوضی است.

«ربای معاوضی» آن است که دو چیز هم جنس با یکدیگر مبادله شود؛ در حالی که یک طرف، از طرف مقابل کمتر باشد. این گونه معاوضه باطل است؛ مشروط به این که آن جنس، وزن کردنی یا پیمانه ای باشد.

بنابراین، معیار در حرام بودن بیع ربوی، وجود سه شرط با هم است :

۱- مکیل (پیمانه ای) یا موزون (کشیدنی) بودن هر دو جنس؛

۲- اتحاد جنس (یکی بودن هر دو جنس، مانند فروختن برنج به برنج)؛

۳- کم بودن وزن یا پیمانه یکی از دو جنس در مقابل دیگری. به عبارت بهتر یقین نداشتن به تساوی وزنی یا پیمانه ای دو جنس.

پس از روشن شدن تعریف ربای معاوضی، بیان چند مثال را در این زمینه مناسب می دانیم که همه این معاملات باطل است در صورتی که به تساوی وزنی یقین نباشد :

- مبادله گندم به گندم یا جو(۱)؛

- مبادله قند به قند؛

- مبادله شیر به شیر؛

- مبادله مثلاً یازده کیلو از مشتقات شیر در مقابل ده

ص: ۴۲

---

۱- گندم و جو در باب معاوضه یک چیز به حساب می آیند.

- مبادله نخود به نخود یا آرد نخود؛

- مبادله ارده به ارده یا کنجد(۲).

با توجه به این که حرمت ربای معاوضی مختص مکیل و موزون می باشد؛ مبادلات ذیل از آن جا که شمارشی است، اشکال ندارد؛ گرچه یک طرف از طرف دیگر کمتر باشد؛ مانند:

- مبادله چند شیشه نوشابه به چند تای دیگر؛

- مبادله چیزهایی که متری محاسبه می شود به یکدیگر، مانند فروش پارچه به پارچه(۳)؛

- مبادله چند عدد تخم مرغ به چند عدد دیگر؛ به شرط آن که فروش تخم مرغ به صورت عددی در آن شهر یا روستا متعارف باشد؛

- مبادله چند بسته بیسکویت به چند بسته دیگر.

در این حدیث دقت کنید: عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ

ص: ۴۳

---

۱- دو چیزی که یکی اصل دیگری می باشد نیز در باب معاوضه یک چیز به شمار می رود.

۲- زیرا ارده از کنجد تهیه می شود.

۳- البته در برخی مناطق، پارچه را وزن می فروشند، در این صورت جایز نیست.

لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِي مِائَةِ كَيْلٍ أَوْ يُوزَنُ (۱).

عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ (فرزند زراره بن اعین) می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: ربایی وجود ندارد، مگر در چیزهای پیمانه ای یا وزن کردنی.

لذا بر اساس اشتراط وحدت جنس (یکی بودن جنس فروخته شده و آن چه در مقابل آن دریافت می گردد)، این معاملات اشکال ندارد؛ گرچه یک طرف از طرف دیگر بیشتر باشد؛ مانند:

- مبادله همه حبوبات به غیر جنس خودشان، مانند مبادله لوبیا و نخود به یکدیگر؛

- مبادله گوشت و حبوبات به یکدیگر؛

- مبادله مواد بهداشتی به چیزهای دیگر.

### تحویل جنس در منزل

برخی از سوپرمارکت ها شماره تماس، و ایمیل خود را در اختیار مشتریان می گذارند تا با تقاضای مشتری، جنس را در محل کار یا منزل به متقاضی تحویل دهند. در این مورد چند امر شایان ذکر می باشد:

الف) این امر دارای فوایدی است :

۱: مانع اتلاف وقت مشتریان می شود؛

ص: ۴۴

۲: از رفت و آمد های بی مورد جلوگیری می شود؛

۳: اشتغال زایی می گردد.

ب) پیک نمی تواند جنس را جلو منزل یا محل کار مشتری بگذارد و برود، بلکه باید آن را به متقاضی تحویل دهد. در غیر این صورت، ضامن خواهد بود.

ج) اگر در حال آوردن جنس، بر اثر حادثه ای مانند تصادم، جنس از بین برود، پیک ضامن نبوده و لازم نیست خسارت را تحمل کند(۱)؛

به شرط آن که احتیاط مناسب را در نقل و انتقال انجام داده باشد؛

د) پیک موظف است در موعد مقرر، جنس را تحویل مشتری دهد؛

هـ-) پیک مستحق اجرت است؛ منتهی در این که چه مقدار و از چه کسی (فروشنده یا خریدار) دریافت کند، لازم است قبلاً توافق لازم صورت گرفته باشد.

### نسیه و دیر کرد

فروشنده می تواند جنس خود را به صورت اقساط و نسیه بفروشد؛ لکن برای تأخیر و «دیر کرد» دریافت پول خود، مجاز نیست پولی را از مشتری طلب کند؛ چرا که این، ربا(۲) خواهد بود.

ص: ۴۵

---

۱- زیرا پیک، «امین» محسوب شده و شخص امین ضامن نیست.

۲- ربای مذکور، ربای در قرض است که مطلقاً حرام می باشد.

اشاره

چنانچه فروشنده اطلاع یابد که جنس او فاسد شده، یا تاریخ مصرفش گذشته، موظف است آن را از گردونه فروش خارج کند و در معرض قرار ندهد؛ زیرا شرط ارتکازی همه مشتریان، با دیدن اجناس، جنس سالم است. حال اگر فروشنده با آگاهی از فساد جنس یا گذشتن تاریخ مصرف آن، به فروش اقدام کند؛ چند حکم مرتب می شود:

**الف) مدیون شدن به مشتری**

از آن جا که جنس معیوب و تاریخ مصرف گذشته دارای ارزش کمتری است، یا هیچ ارزشی ندارد، فروشنده به همان مقدار، مدیون خریدار خواهد شد.

**ب) قصاص**

اگر فروشنده بداند که جنس فاسد او، خطر جانی است و در عین حال آن را به مشتری بفروشد و مشتری بر اثر خوردن یا آشامیدن آن، فوت کند، در دو صورت «قصاص» مرتب می گردد:

۱. فروشنده قصد کشتن مشتری را داشته باشد؛ اعم از این که فساد آن جنس، نوعاً کشنده باشد یا نه؛

۲. فساد جنس به گونه ای است غالباً کشنده؛ اعم از این که قصد کشتن داشته باشد، یا نه.

## ج) ديه

اگر هيچ يک از دو مورد مذکور، ثابت نباشد؛ يعنى فروشنده از فساد جنسش خبر داشته است؛ ولى نه قصد کشتن مشتری را داشته باشد و نه نوعاً آن فساد به کشتن منجر شود و در عين حال، مشتری فوت کند؛ در اين صورت، «ديه» مشتری بر عهده فروشنده خواهد بود.

## د) ضمان

چنانچه فروشنده می داند جنسی که در اختيار مشتری می گذارد، فاسد است و در عين حال، آن را بفروشد و بر اثر خوردن يا آشامیدن آن، مشتری مريض شود يا آسيبی به وی برسد، لازم است فروشنده هزینه درمان وی را بر عهده گیرد.

مورد مذکور، در صورتی است که فروشنده از فساد جنس خود آگاهی داشته باشد؛ اما اگر او از فساد جنس خود بی اطلاع باشد، احکام مذکور مترتب نمی گردد.

## سید کالا

گاهی اوقات «سهاميه» خاصی از جانب افراد حقوقی، مانند دولت و شرکت ها، يا افراد حقیقی، به سوپرمارکت ها داده می شود تا اين اقلام بين برخی از مردم مانند فقرا يا ديگران توزيع کنند.

در اين صورت لازم است به مطالبی توجه شود:

ص: ۴۷

۱. توزیع باید بر حسب قرار داد بین شرکت یا دولت و سوپر مارکت صورت گیرد و تخلف از آن جایز نیست؛ یعنی افرادی می توانند از آن سبد کالا استفاده نمایند که در قرار داد مشخص شده است؛

۲. قیمت جنس باید بر اساس مقدار تعیین شده صورت گیرد، نه بیشتر؛

۳. چنانچه مقرر شده است که جنس به طور رایگان توزیع شود، اخذ هرگونه وجه و به هر عنوان حرام خواهد بود؛

۴. سبد کالای معین شده قابل تغییر نیست و فروشندگان در سوپرمارکت ها نمی توانند از جانب خود، تغییراتی در آن صورت دهند؛ مگر آن که اختیاراتی در این زمینه به آنان واگذار شده باشد.

## دریافت پول

هنگام دریافت پول از مشتری نکاتی قابل ذکر است:

الف) فروشنده فقط می تواند به مقدار قیمت توافق شده، پول از مشتری دریافت کند. بنابراین، اگر فروشنده مشاهده کند که مشتری به اشتباه، بیش از مقدار معین شده پول پرداخت کرد، موظف است هنوز که خریدار از فروشگاه خارج نشده است مقدار اضافه را به وی برگرداند؛ در غیر این صورت، مدیون خواهد بود.

اگر خریدار از فروشگاه خارج شد و فروشنده او را

نمی شناسد، لازم است مقدار اضافه را کنار بگذارد تا صاحب آن یافت شود و در صورت یأس از پیدا شدن، مقدار اضافه را با اجازه مجتهد جامع الشرایط (حاکم شرع) صدقه دهد؛ ولی چنانچه بعد از صدقه دادن، مشتری پیدا شود و پول خود را مطالبه کند، صدقه دهنده موظف است پول او را بپردازد.

ب) در آن چه گفته شد، فرقی نیست بین این که دریافت پول توسط دست صورت گیرد یا دستگاه کارت خوان. بنابراین، چنانچه دریافت پول توسط کارت خوان انجام شود، بر فروشنده حرام است بیش از مقدار قیمت تعیین شده دریافت کند؛ زیرا مشاهده می شود برخی از مشتریان، سالخورده یا بی سواد هستند و دقت در حساب و کتاب خود ندارند. طبعاً در این صورت، وظیفه فروشنده است که دقت کند و به عمد یا به سهو، بیش از مقدار معمول از کارت خریدار کسر نکند.

### **جا گذاشتن جنس**

گاهی مشاهده می شود اشیای خریداری شده یا چیز دیگری که مال خریدار است در فروشگاه جا می ماند؛ در این صورت، فروشنده نمی تواند جنس جا مانده را بردارد یا با کالای دیگر مخلوط کند، بلکه موظف است آن را کنار بگذارد تا صاحبش یافت شود.



اگر جنس جا گذاشته شده فاسد شدنی باشد و فروشنده قیمت آن را از مشتری گرفته است، می تواند آن را بردارد؛ ولی قیمت را به صاحبش مدیون است، که باید آن را به گونه ای ادا کند.

## تزئین کالا

تزئین کالا دارای نکاتی است:

الف) زیبا سازی کالا، به طوری که سبب رغبت مشتریان به خرید گردد، اشکال ندارد. روایات معصومین علیهم السلام که در آن ها از زیبایی و جمال سخن گفته اند در واقع مجوز زیباسازی را صادر کرده اند. به این روایت توجه کنید:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النُّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ (۱)»؛

خداوند زیبا است، زیبایی را دوست دارد و او می خواهد اثر نعمت را بر بنده خود ببیند.

ب) یکی از راه های رونق بازار مسلمین، توجه به دسته بندی های زیبا است که مشتری را به سمت خود جلب کند. امروزه برخی از کشورهای کفر کالا را از مسلمان ها خریداری می کنند و سپس آن را در بسته بندی های

ص: ۵۰

متناسب و زیبا قرار داده و به چند برابر قیمت می فروشند.

ج) «عزت مندی» برای مسلمانان موضوعیت دارد. بر این اساس، لازم می نماید از هر آنچه سبب عزیز شدن مسلمین است بهره جسته و از هر گونه «پلشتی»، به خصوص چیزهایی که موجبات تنفر مشتریان را فراهم می آورد، اجتناب شود.

ضرورت تزئین کالا یا بسته بندی آن، زمانی آشکار تر می شود که توجه کنیم رقبای اقتصادی ما، در سطح جهانی برای عرضه فرآورده های خود از اهرم «هنر» بسیار استفاده می کنند.

د) تزئین کالا نباید وسیله «فریب» مشتری گردد؛ بدین معنی که اگر جنس معیوب است هرگز نمی توان به وسیله تزئین، عیب آن را مخفی کرد.

ه-) تزئین کالا- به معنای ترویج فرهنگ کفر، بی بندوباری و فحشا نیست، بلکه می توان از هنرهای مباح و ایرانی اسلامی بهره برد و در این مسیر از فرهنگ اصیل خودی استفاده کرد. بر این اساس، استفاده از عکس های ترویج کننده ابتدال، تهییج شهوت، مشوق گناه هرگز مجاز نیست.

و) لازم است تزئین کالا به معنای عرضه جنس مرغوب تلقی گردد، نه ترویج فرهنگ مصرف گرایی و اشرافی گری؛

چرا که بین این دو مقوله تفاوت وجود دارد.

بر این اساس، باید از آن چه موجب خروج از رعایت حد وسط در مصرف می شود و توازن در این زمینه را بر هم می زند، لازم است اجتناب شود.

سؤال: چرا برخی از فقها (۱)،

تزئین کالا را مکروه دانسته اند؟

پاسخ: آنان نفرموده اند تزئین کالا- به طور مطلق مکروه است، بلکه بیان داشته اند تزئین کالا- به قصد فریب دادن مشتری کراهت دارد. علاوه بر این که آن بزرگواران اذعان داشته اند تزئین کالا برای اهداف دیگر (غیر از فریب مشتری) مانند زیبا سازی اجناس، چنانچه رسم و متعارف باشد، اشکال ندارد (۲).

### قسم خوردن

از عادات برخی از فروشندگان، «قسم» خوردن است. توجه به دو روایت، هشدار دهنده است:

۱. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: يَا مَعْشَرَ السَّمَاوِيَّةِ أَقْلُوا الْأَيْمَانَ فَإِنَّهَا مَنَقَقَةٌ لِلسُّلْعَةِ

ص: ۵۲

---

۱- مانند شهید اول (۷۳۴ - ۷۸۶) و شهید ثانی (ر، ک: الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۳، ص ۲۸۹).

۲- «عدم تزئین المتاع ليرغب فيه الجاهل مع عدم غايه أخرى للزينة، أما تزئينه لغايه أخرى كما لو كانت الزينه مطلوبه عادة فلا بأس» (همان).

مَمَّحَقَةً لِلرَّيْحِ (۱)؛ ای معامله گران! کمتر سو گند یاد کنید؛ زیرا قسم خوردن، سبب کسادی جنس و از میان رفتن برکت سود است.

۲. موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدُهُمْ رَجُلٌ اتَّخَذَ اللَّهُ بِضَاعَهُ لَا يَشْتَرِي إِلَّا بِيَمِينٍ وَلَا يَبِيعُ إِلَّا بِيَمِينٍ (۲)؛

سه گروهند که خداوند به آنان نظر رحمت نمی کند: یکی از آن ها شخصی است که خدا را کالا قرار داده؛ نمی خرد و نمی فروشد، مگر با قسم.

بر این اساس، قسم خوردن در هنگام معامله، مکروه است و همه فقها در حکم مزبور، اتفاق نظر دارند.

سؤال: آیا قسم کفاره دارد؟

پاسخ: قسم به غیر خداوند مطلقاً کفاره ندارد؛ اما قسم به خداوند در سه صورت نمود دارد:

الف) قَسَمَ برای تثبیت و تأکید مطلبی باشد که در گذشته، حال یا آینده انجام شده یا انجام خواهد شد؛ چنانچه محتوای سخن راست یا ثواب باشد، قسم کفاره ندارد؛ اما مکروه است؛ ولی اگر محتوای قسم دروغ باشد،

ص: ۵۳

---

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۱۳ و وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۱۹.

قسم حرام است.

ب) قَسَمِ می که در هنگام تقاضا از دیگری مطرح می شود و به وسیله آن، مطلب در خواست شده مورد تأکید قرار می گیرد(۱)؛

مانند این که «تو را به خدا قسم فلان کار را انجام بده!» این قَسَم نیز الزام آور نیست (نه برای درخواست کننده و نه برای مخاطب) و کفاره و گناه هم ندارد.

ج) قَسَمِ می که برای «بر عهده گرفتن» چیزی انجام می شود؛ مانند این که «به خدا قسم نماز می خوانم یا سیگار نمی کشم». در این صورت، قَسَم الزام آور است و عمل نکردن بر طبق آن، موجب کفاره می شود(۲).

کفاره چنین قَسَمِ می عبارت است از: آزاد کردن یک برده (که در زمان ما وجود ندارد) یا پوشاندن ده فقیر یا غذا دادن به آنان و اگر از اجرای این موارد ناتوان است، واجب است سه روز روزه بگیرد.

## گران فروشی

«گران فروشی» در تمام معاملات مصداق می یابد. لازم است در این مورد به چند نکته توجه شود :

ص: ۵۴

۱- فقها از قسم مزبور به «قسم مناشده» تعبیر می کنند.

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۱: «به شرط آن که دارای ویژگی های خود باشد که در مباحث قسم کتاب های فقهی مطرح شده است».

الف) عمده و اساس گران فروشی، حرص، زیاده خواهی و دنیا طلبی است که ریشه همه گناهان می باشد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا (۱)»؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: ریشه همه گناهان، علاقه به دنیا است.».

ب) ائمه معصومین علیهم السلام عملاً با گران فروشی مخالفت ورزیده اند. به این ماجرا دقت کنید:

امام صادق علیه السلام، هزار دینار داشتند و در صدد تجارت با آن برآمدند. از این رو، شخصی به نام «مصادف» را نزد خود فرا خوانده، پولی را به وی پرداخت کردند و

فرمودند: خود را برای سفر به «مصر» آماده کن؛ زیرا عائله من سنگین شده است.

مصادف کالایی برای فروش تهیه کرد و همراه تاجران به طرف مصر به راه افتاد. چون به مصر نزدیک شدند، با کاروانی که از مصر بیرون آمده بود، روبه رو گردیدند و از آنان درباره وضع کالایی که با خود داشتند، سؤال کردند.

کاروانیان پاسخ دادند: جنسی که شما به همراه دارید، در حال حاضر مورد نیاز مردم مصر است. از این رو، اینان با یکدیگر قرار گذاشتند که کالای خود را

ص: ۵۵

با سودی کمتر از صد در صد نفروشد!

پس از فروش اجناس و دریافت پول ها، به مدینه باز گشتند. مصادف نزد امام صادق علیه السلام آمد و دو کیسه با خود همراه داشت که در هر کیسه هزار دینار بود. به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم! این کیسه سرمایه است و آن دیگری سود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این سود فراوانی است! چگونه چنین سودی را به دست آوردی؟ مصادف جریان را شرح داد. امام صادق علیه السلام با تعجب فرمودند: سبحان الله! به زیان مردمی مسلمان با یکدیگر قرار می گذاری که از هر یک دینار کالا یک دینار سود بگیرید!؟

آن گاه یکی از دو کیسه را برداشتند و فرمودند: ما را به این سود نیازی نیست. سپس فرمودند: ای مصادف! نبرد کردن با شمشیر، از طلب کردن مال حلال آسان تر است. (۱)

ص: ۵۶

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۳ و وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۱: «دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَقَالَ لَهُ تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا قَالَ فَتَجَهَّزَ بِمَتَاعٍ وَخَرَجَ مَعَ التُّجَّارِ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَنَوْا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلْتَهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مِمَّا خَالَاهُ فِي الْمَدِينَةِ وَكَأَنَّ مَتَاعَ الْعَامَّةِ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ فَتَحَالَفُوا وَتَعَاقَدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ الدِّينَارِ دِينَارًا فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَانْصَبَرُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَمَعَهُ كَيْسَانِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفُ دِينَارٍ فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَهَذَا الْآخِرُ رِبْحٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الرَّبْحَ كَثِيرٌ وَلَكِنْ مَا صَيَّرْتَهُ فِي الْمَتَاعِ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَكَيْفَ تَحَالَفُوا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَحْلِفُونَ عَلَى قَوْمٍ مُسْلِمِينَ أَلَّا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا رِبْحَ الدِّينَارِ دِينَارًا ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ فَقَالَ هَذَا رَأْسُ مَالِي وَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرَّبْحِ ثُمَّ قَالَ يَا مُصَادِفُ مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ».

بنابراین شایسته فروشندگان به طور کلی و فروشندگان سوپرمارکت ها و خواربار فروشی ها به طور خاص؛ رعایت حد متوسط و سود عادلانه ای است که مورد رضای خدا و اولیای او است.

ج) گران فروشی، پیامد های ناگواری برای جامعه اسلامی دارد؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «غَلَاءُ السُّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ وَ يُذْهِبُ الْأَمَانَةَ وَ يُضَجِّرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ (۱)»؛

گران شدن اجناس، سبب بد اخلاقی، از بین رفتن امانت داری و از پا درآمدن جامعه اسلامی می گردد».

## احتکار

«احتکار» از مسائل تأسف بر انگیز در مقوله تجارت است. در حقیقت این ناهنجاری معلول دنیا پرستی و

ص: ۵۷



عشق بی اندازه به ثروت است. نکاتی در این مسئله قابل طرح می باشد:

الف) محتکر از رحمت خدا به دور است. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ (۱)؛

کسی که اجناس را به بازار می آورد [و برای فروش عرضه می نماید] رحمت خدا را جلب می کند و شخصی که احتکار می کند، از رحمت خدا دور است.

ب) چنانچه حاکم شرع متوجه شود جنس مورد نیاز مردم احتکار شده است، می تواند محتکر را به فروش اجناس مجبور کند و در این مورد، عنصر «رضایت» که در همه معاملات شرط اساسی است؛ ساقط می گردد.

ج) اگر محتکر حتی با اجبار حاکم شرع به فروش اجناس احتکار شده رضایت نداد، حاکم شرع خود مبادرت به فروش اجناس وی مبادرت می کند و پول به دست آمده از فروش اجناس را به محتکر می پردازد.

البته اقدام مستقیم حاکم شرع در مورد فروش اموال احتکار شده، منوط به دو شرط است: یکی این که جنس احتکار شده، مورد نیاز ضروری مردم باشد و دیگری این که آن جنس در اختیار یک یا چند نفر خاص باشد.

ص: ۵۸

### اشاره

«مشتری» دارای احکام خاصی است و نکات ویژه ای در اسلام، در مورد مشتری مطرح شده است ذیلاً مطالبی را در این زمینه مطرح می کنیم:

### نسیه

### اشاره

یکی از نکات رایج در معاملات و به خصوص سوپرمارکت ها و بقالی ها، خرید کردن به صورت «نسیه» است. در این زمینه مطالبی شایان ذکر می باشد:

### الف) امتناع فروشنده از نسیه

فروشنده حق دارد از قبول نسیه خودداری و وجه جنس

خود را نقداً از مشتری مطالبه کند؛ زیرا پایه معاملات بر مبنای توافق طرفین است و تا فروشنده و مشتری رضایت کامل نداشته باشند، نقل و انتقال حاصل نخواهد شد.

قرآن مجید می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ.** (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را بیهوده نخورید، مگر این که تجارتی همراه با رضایت انجام گیرد.

### **ب) گران بودن نسیه**

فروشنده می تواند جنس نسیه را گران و نقد را ارزان بفروشد؛ علت مطلب آن است که فقها می فرمایند: «لِلْأَجْلِ قِسْطٌ مِنَ الثَّمَنِ؛ زمان در مقام معامله ارزش دارد».

بر این اساس، فروشنده می تواند جنس نسیه ای یا اقساطی را گران تر بفروشد؛ ولی تذکر مهم این است که فروشنده و مشتری نمی توانند معامله را مبهم گذارند، بلکه باید نحوه پرداخت را مشخص کنند (نقدی، نسیه یا

ص: ۶۰

---

۱- وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء: ۲۹).

## ج) یادداشت

کسانی که جنس را به صورت نسیه می برند لازم است بدهی خود به فروشنده را یادداشت کنند تا مدیون فروشنده نشوند.

این وظیفه تنها به خریداران نسیه بر مربوط نمی شود، بلکه همه اشخاصی که دین و قرض یا حق الناس بر عهده

ص: ۶۱

۱- استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۲، ص ۲۶۲: «استفتا از آیت الله مکارم: فروشنده ای هستم که کالا را به صورت متر مربع می فروشم. چنان که خریداری قادر به پرداخت کل، یا قسمتی از ثمن نباشد، ناچار باید مبلغی گران تر بفروشم. بدین جهت به خریدار می گویم: در صورت نسیه، متر مربعی فلان ریال در روز باید گران تر خریداری نمایی و اگر قبل از سررسید، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کنی؛ مبلغی که گران خریده ای به همان صورت در مدت باقیمانده محاسبه و برگشت داده خواهد شد. چنانچه تأخیری در بدهی روی دهد، هیچ گونه وجهی بابت دیرکرد دریافت نمی شود، از آن جا که برخی از مشتری ها در این گونه خرید، احتیاط می نمایند. نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید؟». جواب: اگر این معامله به صورت مبهم و بدون تعیین قیمت و زمان پرداخت صورت بگیرد، باطل است. تنها راه صحت آن، این است که تاریخ و زمان پرداخت، به هر مبلغ که می خواهند، برای معامله تعیین کنند و قرارداد طبق آن صورت گیرد. سپس بگویند اگر زودتر از آن، مبلغ را پرداختی فلان مقدار تخفیف می دهیم، در این صورت معامله صحیح است؛ ولی اگر مبهم بگذارند معامله صحیح نیست.

آنان می باشد، لازم است از ثبت و ضبط بدهی خود غفلت نکنند؛ زیرا چه بسا در گذر زمان بدهی خود را فراموش کنند و یا حتی مسئله مرگ و میر پیش می آید که در این صورت مدیون فروشنده شده اند.

## د) تعیین تاریخ پرداخت

### اشاره

در معامله نسبه باید تاریخ پرداخت کاملاً معلوم باشد، در غیر این صورت، معامله باطل است. (۱)

### چند سؤال و پاسخ

وقتی شخصی کالا را نسبه می برد، مدیون محسوب می شود، در صورت فوت وی جای چند سؤال وجود دارد:

سؤال: بدهی او از اصل مال برداشته می شود یا از ثلث؟

پاسخ: از اصل مال برداشته می شود.

سؤال: آیا برای پرداخت بدهی، اجازه ورثه لازم است، یا نه؟

پاسخ: خیر، براین اساس، چنانچه پول یا مالی از بدهکار نزد طلبکار باقی مانده، می تواند به مقدار طلب خود از آن مال برداشت کند.

سؤال: پرداخت طلب طلبکاران بعد از تقسیم ارث

ص: ۶۲

---

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۳۰.

انجام می شود یا قبل از آن؟

پاسخ: بر ورثه لازم است قبل از تقسیم ارث، دیون میت را از مال میت محاسبه نموده پرداخت کنند. قرآن مجید

می فرماید: **مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ**؛ (۱) ارث باید پس از پرداخت دیون و وصیت میت باشد.

سؤال: وصیت کردن شخص برای ادای دین لازم است یا نه؟

پاسخ: بله؛ زیرا ترک وصیت، ممکن است به از بین رفتن حق طلبکاران منجر شود.

سؤال: اگر دین میت مدت دارد آیا ورثه می توانند پرداخت دیون را تا آن مدت تأخیر بیندازند؟

پاسخ: خیر؛ زیرا با مردن مدیون، مدت دین از بین می رود و بر ورثه لازم است در اولین فرصت و قبل از تقسیم ارث، دیون او را بپردازند، اعم از این که دین وی به اشخاص حقوقی باشد، مانند بانک یا به اشخاص حقیقی.

### دریافت اضافه

چنانچه خریدار متوجه شود که فروشنده کمتر از مقدار توافق شده پول دریافت کرد، لازم است او را به اشتباهش

ص: ۶۳

آگاه کند و مقدار باقی مانده را به وی برگرداند. همچنین است اگر خریدار متوجه شود که فروشنده کالای بیشتر از مقدار توافق شده به او پرداخت کرد.

## شک در حلال بودن کالا

### اشاره

یکی از مطالبی که ممکن است به ذهن بسیاری از مشتریان برسد، این است که چنانچه مشتری، در حلال و حرام بودن کالای فروشنده تردید داشته باشد، تکلیف او چیست؟ آیا می تواند از آن مغازه و فروشگاه خرید کند؟

پاسخ این است که مشتری در صورت شک، می تواند از او خرید نماید و بنا را بر حلیت بگذارد.

در این مسئله بین این اقسام شک تفاوتی وجود ندارد:

آیا گوشتی که در فروشگاه است از حیوان حلال گوشت می باشد یا حرام گوشت؟

آیا حیوان حلال گوشت را طبق دستور شرع، ذبح کرده اند یا نه؟

آیا در خوراکی، از اجزای حلال حیوان استفاده شده یا از اجزای حرامش؟

آیا خوراکی و نوشیدنی نجس است یا پاک؟

آیا مواد موجود در فروشگاه، داخلی است یا خارجی؟

آیا مواد موجود در سوپر مارکت مال مردم است یا از خود

فروشنده می باشد؟

آیا از شریک خود اجازه فروش دارد یا نه؟

در تمام موارد مذکور در صورت شک، بنا بر حلال و پاک بودن غذا گذاشته شده و خرید اغذیه از فروشگاه یا مغازه مورد نظر جایز است.

تذکر: آن چه گفته شد، در صورتی است که فروشنده مسلمان باشد و علت آن نیز این است که مسلمان ها باید به یکدیگر خوش گمان بوده، در موارد شک در عمل یکدیگر، آن را حمل به صحت کنند.

بنابراین، در فروشگاه های کفار و فروشگاه های زنجیره آنان در داخل بلاد اسلامی، این احکام جریان ندارد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به شخصی به نام قتاده که سؤال کرده بود آیا می توان از بازار مسلمان ها پنیر(۱) خریداری کرده یا نه؟ فرمودند:

فَاشْتَرِ الْجُبْنَ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَيْدِي الْمُصَلِّينَ وَلَا تَسْأَلْ عَنْهُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيكَ مَنْ يُخْبِرُكَ عَنْهُ (۲)؛

از بازار مسلمان ها همان ها که اهل نماز هستند؛ پنیر

ص: ۶۵

---

۱- با توجه به این که در آن زمان، پنیر مایه را از ماده ای که از معده گوساله و بزغاله به دست می آمد می گرفتند و در برخی موارد از حیوان مرده هم استفاده می کردند.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۵۶.



خریداری کن و از حلال و حرام بودن آن میپرس؛ مگر این که در این مورد و بر ضد آن، خبر معتبری آورده شود.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند :

«لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ» (۱).

اگر حمل بر صحت جاری نشود بازاری برای مسلمین بر پا نخواهد شد.

## دو نکته

اول: بدیهی است آن چه گفته شد در صورت بروز شک و تردید مصداق می یابد؛ ولی اگر مشتری به هر دلیل یقین کند که خوراکی یا نوشیدنی فروشنده حرام است، در این صورت نمی تواند از او خریداری کند.

دوم: در لزوم توجیه کردن کار مسلمان به صحت و نیز حجیت بازار مسلمان ها، فرقی نیست که فروشنده پیرو کدام یک از مذاهب اسلامی (۲) باشد.

باشد.

## شک در دین

## اشاره

مطلب دیگری که گاهی مشغله ذهنی می شود، این

ص: ۶۶

---

۱- همان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲- یعنی بین شیعه، شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی، زیدی و... فرقی وجود ندارد.

است که در شهرهای بزرگ، غالباً فروشنده و مشتری یکدیگر را نمی شناسند و لذا ممکن است مشتری در مسلمان بودن فروشنده شک کند. زیرا یکی از نجس ها، شخص کافر است. سؤال این است که در این فرض آیا تفحص از دین فروشنده لازم است یا خیر؟

پاسخ به این مورد، دارای دو صورت است:

الف) مملکت اسلامی: مقصود از مملکت اسلامی این است که اشخاصی (نه حاکمان و دولت) که در آن کشور زندگی می کنند، مسلمان هستند(۱).

در این صورت، بنا بر مسلمان بودن فروشنده گذاشته می شود و تفحص و جست و جو لازم نیست.

#### استفتا

به این استفتا که از امام خمینی صورت گرفته است، توجه کنید: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است، هنگام فروش، ماده غذایی با بدن او که رطوبت مسریه(۲) دارد، تماس پیدا می کند، آیا باید از او درباره دینش سؤال کرد یا این که اصل پاک بودن اشیا جاری می شود؟

ص: ۶۷

---

۱- اعم از این که مذهب شیعه داشته باشند یا غیر آن.

۲- سرایت کننده.

جواب: سؤال از دین او واجب نیست و اصل طهارت اشیا نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می شود (۱).

ب) مملکت کفر: در این صورت تفحص از دین فروشنده لازم است، مگر این که انسان یقین کند که در خوراکی، اجزای حیوانات وجود ندارد و نیز احتمال دهد دست فروشنده به

غذا بر خورد (۲).

نگرده است. با این دو شرط، گرچه به کفر فروشنده یقین داشته باشد، خریداری از او اشکال ندارد (۳).

## وارد کردن خسارت

### اشاره

اگر مشتری بر فروشگاه و مغازه یا یکی از ابزار و وسایل آن، خسارت و ضرری وارد کند، مدیون است و موظف است خسارت را جبران کند و همچنین است اگر یکی از کالاهای فروشگاه را سرقت کند.

### چند نکته

۱. در حکم مزبور (لزوم جبران خسارت)، تفاوتی نیست بین این که تلف کننده کودک باشد، یا بالغ.

ص: ۶۸

---

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- مقصود، برخورد سرایت کننده است، مثل این که دست یا غذا خیس باشد.

۳- یکی از موارد جواز فسخ معامله، «خیار ما یفسد لیومه» است.

۲. در حکم ذکر شده تفاوتی نیست بین عمد و سهو. مثلاً- اگر ظرف از دست مشتری بیفتد و بشکند باید خسارت را به فروشنده بپردازد.

۳. چنانچه صاحب جنس تلف شده، تلف کننده را ببخشد، چیزی بر عهده تلف کننده نیست.

سؤال: راه جبران خسارت چیست؟

پاسخ: تلف شدن جنس، دارای چند صورت می باشد که حکم هر یک با دیگری تفاوت دارد :

صورت اول این است که خود آن جنس بدون نقص وجود دارد (مثل این که کسی جنس را سرقت کرده و الآن نیز آن را در اختیار دارد) در این مورد باید همان جنس را به صاحبش برگرداند.

صورت دوم این است که بر جنس، خسارتی وارد شده و معیوب گردیده، بدین معنی که قابل اصلاح است. در این مورد لازم است کسی که خسارت را وارد کرده است، هزینه اصلاح آن را بپردازد.

صورت سوم این است که جنس، به طور کلی تلف شده یا در حکم تلف شده تلقی می شود. در این مورد، چنانچه مثل آن در بازار یافت می شود، باید مثل آن پرداخت گردد و اگر مثل آن یافت نمی شود، قیمت جنس را بپردازد(۱).

ص: ۶۹

---

۱- این ترتیب بندی از امور مورد اتفاق همه فقها به شمار می رود.



### اشاره

یکی از بایسته های عمده در باب داد و ستد شفاف سازی در مقدار است که این نکته حاوی مطالب متعددی می باشد و می طلبد هر کدام به طور جداگانه بررسی شود:

### ریسک در مقدار

لزوم شفافیت مقدار کالا در معاملات، مورد اتفاق همه فقها است و کسی در آن تردید نکرده است.

روایات نقل شده از امامان معصوم علیهم السلام بر این نکته دلالت می کنند: «نَهَى النَّبِيُّ عَنْ بَيْعِ الْغُرْرِ»؛ «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از ریسک

کردن در معاملات نهی فرموده اند».

بر اساس این روایات، همه فقهای شیعه، بر این باورند که باید مقدار کالا و بهای آن، مشخص باشد.

### **اقسام تعیین**

بدیهی است تعیین مقدار کالاها بر حسب انواعشان مختلف است و می توان آن ها را چند قسم دانست:

کالاهایی که با شمارش میزان آن مشخص می شود؛ مانند بسته های حبوبات که امروزه در سوپرمارکت ها وجود دارد؛

کالاهای وزنی؛ مانند حبوبات فله ای که در بقالی های سنتی وجود دارد؛

کالاهای متری؛ مانند پارچه ها و فرش ها؛

کالاهای مشاهده ای؛ مانند زمین، وسیله نقلیه و حیوانات که با بررسی ویژگی آن ها قیمت آن ها تعیین می شود.

بر این اساس، لازم است در مورد کمیت و کیفیت اجناس به تناسب همان جنس شفاف سازی لازم صورت پذیرد.

### **نقش زمان و مکان**

در زمینه تعیین مقدار، نمی توان نقش «زمان و مکان» را

ص: ۷۲

نادیده انگاشت؛ بدین معنی که ممکن است جنسی در زمان یا مکانی وزنی باشد و در زمان یا مکان دیگر پیمانۀ ای یا عددی؛ همان طور که عکس قضیه یا صورت های دیگر آن ممکن است.

بر این مبنا شفافیت، در مقدار، بر حسب زمان یا مکانی که معامله در آن صورت می گیرد، لازم است؛ مثلاً ممکن است تخم مرغ را در زمان یا مکانی عددی و در زمان یا مکان دیگر، کیلویی یا در ضمن بسته بندی های خاص معامله کنند و طبعاً لازم است مطابق همان زمان یا مکان مبادلات صورت گیرد تا هیچ گونه ابهامی وجود نداشته باشد.

## ترازو

### اشاره

«ترازو» یکی از ابزار اندازه گیری کالا- در بیشتر مراکز فروش و از جمله سوپرمارکت ها و بقالی ها، است. در این زمینه لازم است به نکاتی توجه شود:

### الف) انواع ترازو

در استفاده از انواع ترازوها تفاوتی نیست. آن چه مهم است، هم سویی با عرف همان زمان و مکانی است که معامله در آن انجام می گیرد. مثلاً هر کیلو باید مساوی هزار گرم باشد.

ص: ۷۳



بر این اساس، آن چه امروزه شاهد آن هستیم که در بسیاری از فروشگاه‌ها، ترازوهای «قدیمی» جای خود را به ترازوهای «دیجیتال» داده است، اشکالی ندارد؛ بلکه می‌توان ترازوهای دیجیتال را بهتر دانست؛ چرا که از دقت بالایی برخوردار می‌باشد و می‌تواند هر واحد «گرم» را دقیقاً شمارش کند.

### ب) سلامت ترازو

«سلامت ترازو» یکی از اساسی‌ترین شرایط صحت خرید و فروش است؛ چرا که تعیین مقدار کالا و نیز داد و ستد بر اساس آن، شکل می‌گیرد. بنابراین، بر فروشنده لازم است از سلامت ترازوی خود اطمینان داشته باشد تا معاملاتش صحیح بوده، مدیون مردم نگردد و خود نیز متضرر نشود.

### ج) برهم زدن نظم ترازو

بی تردید جایز نیست فروشنده، ترازو را «دست کاری» کند و نظم آن را از حالت طبیعی خود برهم زند؛ چرا که این کار یکی از مصادیق کم فروشی محسوب گردیده و فروشنده را مشمول آیه شریفه «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (وای بر کم فروشان)؛ قرار می‌دهد. علاوه بر این که این امر، خیانتی آشکار به مشتریان محسوب می‌گردد.

آن چه در باب تعیین مقدار اهمیت دارد، «متعارف» بودن است. بر این اساس، نمی توان مثلاً ظرفی را که نزد مردم شناخته شده نیست پُر از برنج کرد و فروخت؛ بلکه باید آن ظرف نزد عموم مردم دارای استاندارد خاص و شناخته شده باشد.

همچنین نمی توان سنگی را که مقدار آن نزد عرف شناخته شده نیست، در ترازو گذاشت و به همان میزان، جنس وزنی را فروخت، بلکه لازم است آن سنگ، شناخته شده در عرف بازار باشد، مانند سنگ های امروزه که هر کیلوی آن هزار گرم است.

امام خمینی می نویسند: از شرایط صحت بیع این است که مقدار کالا و قیمت به وسیله پیمان، وزن یا شمارش مشخص گردد. بر این اساس، مشاهده کالا و نیز اندازه گیری آن به غیر از آن چه در میان مردم متعارف است، کفایت نمی کند و نیز مشخص کردن مقدار چیز های وزن کردنی با پیمان یا شمارش، کفایت نمی کند (۱).

ص: ۷۵

---

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۱۵: «الثانی، تعیین مقدار ما کان مقدرا بالکیل أو الوزن أو العدّ بأحدها فی العوضین، فلا تکفی المشاهده، ولا تقدیره بغير ما یکون به تقدیره، فلا یکفی تقدیر الموزون بالکیل أو العدّ...».

آیت الله خوئی نیز می فرمایند: لازم است در خرید و فروش، مقدار هر یک از دو طرف (کالا و بهای آن) به آن چه نزد مردم شناخته شده است، مشخص گردد؛ مانند کیل، وزن، شمارش و مساحت (۱).

### غیر متخصیص

کسی که با وزن و پیمانانه کردن کالا- آشنایی ندارد، نباید به این کار اقدام کند؛ چرا که در این صورت، حق هر یک از فروشنده و مشتری در معرض ضایع شدن قرار خواهد گرفت (۲).

### فروشنده و وزن بیشتر

مستحب است چنانچه ترازو در اختیار فروشنده قرار دارد، مقداری بیشتر از حد معین شده در ترازو قرار دهد؛

ص: ۷۶

---

۱- منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۳: «لا بدّ أن يكون مقدار كل من العوضين المتعارف تقديره به عند البيع، من كيل أو وزن، أو عد، أو مساحة معلوما...».

۲- البته برخی از فقهای قدیم، همچون شهید اول و ثانی در این مورد به وجوب تعبیر نکرده، بلکه توانایی بر وزن و پیمانانه کردن را مستحب دانسته اند؛ ولی از آن جا که خود این بزرگواران، تعیین مقدار کالا- را شرط صحیح بودن معاملات می دانند، شاید بتوان سخن آنان را بر موردی حمل کرد که مقدار مشخص شده محفوظ بماند.

نه آن که دقت بسیار کند. مثلاً اگر مشتری قصد خرید یک کیلو لویا دارد، فروشنده چند گرم اضافه تر بکشد.

### **خریدار و وزن کمتر**

مستحب است چنانچه ترازو در اختیار مشتری قرار دارد، مقداری کمتر از حد معین شده در ترازو قرار دهد؛ نه آن که دقت بسیار کند.

تذکر لازم این که تفاوت باید در حد چند گرم باشد، نه بسیار زیاد که به جهالت در مقدار جنس فروخته شده منجر گردد.

### **بسته بندی**

از جمله نکاتی که در سوپرمارکت ها رایج بوده و آن ها را از بقالی های سنیّتی جدا می سازد، وجود «کالا های بسته بندی» است. در این زمینه مطالبی قابل یاد آوری می باشد :

الف) بسته بندی های شیک و زیبا نه تنها اشکال ندارد، بلکه اصولاً هر چیزی که سبب رونق بازار مسلمین گردد، بلا مانع، بلکه مناسب خواهد بود؛

ب) لازم است بسته بندی ها دارای مقدار مشخص باشد و مقدار آن بر روی بسته بندی نوشته شده باشد تا مشتری با آگاهی کامل خرید کند؛

ج) استفاده از مواد باز یافتی در بسته بندی ها، چنان چه برای سلامتی مشتریان مضر باشد جایز نیست؛

د) مخلوط کردن جنس بد و خوب در بسته بندی ها، مصداق خیانت و غش در معامله است. بر این اساس، نمی توان به نام بسته بندی، اجناس نامرغوب یا تاریخ مصرف گذشته را به خورد مصرف کنندگان داد؛

هـ) - بسته بندی های شیک را نمی توان وسیله فروش اجناس نامرغوب یا گران فروشی قرار داد.

ص: ۷۸

یکی از مباحث مطرح در داد و ستد، «معیوب بودن کالا» است که در ادامه نکاتی را در این زمینه مطرح می‌کنیم:

### تعریف عیب

معصومین علیهم السلام به تعریف عیب کالا نپرداخته؛ فقها نیز به پیروی از آنان وارد این حوزه نشده‌اند؛ زیرا حد و مرز این گونه امور، از «عُرفیات» محسوب می‌شود.

به تعبیر دیگر: کار دین (در بیشتر موارد) بیان احکام است و تشخیص موضوع با خود مردم خواهد بود.

مثلاً فقها بیان می‌کنند که خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. اما تشخیص این که چه

حیواناتی دارای این ویژگی هستند، با مکلفین و اشخاص است.

مقوله «عیب کالا» نیز همین می باشد. آنچه فقها بیان می دارند این است که عیب کالا، دارای احکامی است؛ اما تشخیص این که عیب چیست، با عرف، مکلفین و مردم است.

## کیفیت تشخیص

### اشاره

تشخیص «معیوب» بودن کالا توسط مردم، دو گونه صورت می گیرد:

#### ۱. عرف عام

در بسیاری از موارد، تشخیص عیب به کارشناسی نیاز نداشته و امر آسانی است. در این گونه موارد، عرف و مردم به راحتی، کالای معیوب را از کالای سالم تمییز می دهند. بیشتر اجناس سوپرمارکت ها و خوار بار فروشی ها از این دسته است، مانند :

\* تخم مرغ فاسد؛

\* حبوبات آفت زده؛

\* شیر فاسد شده؛

\* اجناس کپک زده؛ مانند نان، رُب و پنیر؛

\* مرغ و ماهی ای که رنگ آن تغییر یافته یا دارای بوی

ص: ۸۰

نامطبوع است؛

\* وجود اشیا یا حشرات در بسته بندی ها؛

\* کالای با تاریخ مصرف گذشته؛

## ۲- عرف خاص

در برخی موارد، تشخیص عیب به راحتی امکان پذیر نمی باشد و تخصص و کارشناسی می طلبد. عهده دار این مورد، دستگاه های ذی ربط و در زمینه اجناس سوپرمارکت ها، اداره بهداشت می باشد.

## نقش زمان و مکان

نمی توان نقش زمان و مکان را در تشخیص عیب نادیده انگاشت؛ بدین معنی که ممکن است چیزی در زمان یا مکانی عیب محسوب شود؛ در حالی که در زمان یا مکان دیگر عیب به شمار نرود.

بر این اساس، آن چه معیار است، عرف زمان و مکان معامله می باشد که چه چیزهایی را عیب می شمارند و چه چیزهایی را عیب محسوب نمی کنند.

## امتحان

ناپسند نیست که مشتری قبل از خریدن خوراکی یا نوشیدنی، آن را امتحان و مقداری از آن تناول کند؛ مشروط به این که به جنس یا بسته بندی آسیبی وارد نشود.

ص: ۸۱



در این زمینه بیان به چند مطلب لازم است:

الف) رعایت مسائل بهداشتی با امتحان کردن جنس منافاتی ندارد؛ مثلاً مشاهده می شود در برخی از فروشگاه ها برای ارائه نمونه عسل، توسط قاشق یک بار مصرف، مشتری را به بررسی کیفیت جنس خود تشویق می کنند.

ب) یکی از فواید عمده امتحان کردن جنس، جلوگیری از غرر، جهالت و ریسک است.

در حقیقت با ارائه نمونه به مشتری و امتحان کردن جنس از جانب وی، شفاف سازی کامل در مورد مزه خوراکی یا نوشیدنی صورت می پذیرد.

ج) دیگر از فواید امتحان کردن جنس، آن است که فروشنده اتمام حجت می کند تا بعداً به پس آوردن یا ادعای دیگر منجر نشود.

د) بدیهی است امتحان کردن خوردنی و نوشیدنی در مورد همه اجناس موجود در سوپرمارکت ها امکان نداشته و فقط در برخی از آن ها این امر میسر می باشد.

### اصل سلامت

دیدگاه همه فقها آن است که می توان اجناس خوردنی و آشامیدنی را امتحان نکرد و بر مبنای «اصل سلامت» آن ها را خریداری کرد؛ ولی چنانچه بعداً معلوم شود جنس معیوب بوده است، احکام عیب مترتب می گردد (در مورد احکام

## کراهت کتمان

این نکته مورد اتفاق و اجماع فقها است که اگر در جنس مورد معامله، عیبی وجود دارد، کتمان آن کراهت دارد؛ بلکه مستحب است فروشنده عیب آن را به مشتری اطلاع و وی را در جریان قرار دهد.

بر این اساس، این ضرب المثل که «هیچ بقالی نمی گوید ماست من تُرش است»؛ در مورد فروشنده دین مدار، صادق نیست.

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ، چنین نقل می کنند: کسی که می فروشد، از پنج نکته پرهیزد. در غیر این صورت، خرید و فروش را رها کند: ربا، قسم خوردن، کتمان عیب، مدح و تعریف از کالایی که قصد فروش آن را دارد و مذمت کردن از کالایی که قصد خرید آن را دارد(۱).

ص: ۸۳

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۳: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيَحْفَظْ خُمْسَ خِصَالٍ وَ إِلَّا فَلَا يَشْتَرِيَنَّ وَ لَا يَبِيعَنَّ الرِّبَا وَ الْحَلْفَ وَ كِتْمَانَ الْعَيْبِ وَ الْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَ الذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى».

## حد کراهت

تذکر این نکته لازم است که کتمان عیب تا وقتی که «تدلیس» محسوب نشود، مکروه است و در غیر این صورت، کتمان عیب حرام خواهد بود.

همه فقها بر این باورند که «یکره کتمان العیب إذا لم یؤد إلى غش و إلا حرم»؛ کتمان عیب تا وقتی کراهت دارد که به «غش» در معامله منجر نگردد و اما اگر غش در معامله محسوب شود، حرام خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

## اطلاع از عیب

پس از آن که مشتری از معیوب بودن کالا مطلع شد، بین سه گزینه مخیر است:

الف) به همان جنس معیوب راضی شود؛

ب) معامله را فسخ کند؛ جنس معیوب را به فروشنده برگرداند و تمام پول خود را دریافت کند؛

ج) تفاوت قیمت جنس سالم و معیوب را مطالبه کند.

## موارد عدم تخییر

در چهار صورت اگر خریدار متوجه شود که جنس

ص: ۸۴

---

۱- منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۸.

خریداری شده دارای عیبی است، نه می تواند معامله را به هم بزند و نه می تواند تفاوت قیمت بگیرد؛ بلکه باید به همان جنس راضی باشد:

۱. مشتری در موقع خریدن، عیب مال را بداند؛

۲. مشتری پس از اطلاع از معیوب بودن جنس، به عیب مال راضی شود؛

۳. مشتری در وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشته باشد، پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم؛

۴. فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد، می فروشم.

تذکر این نکته لازم است که اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب می فروشم و معلوم شود کالا عیب دیگری هم دارد؛ خریدار می تواند به دلیل عیبی که فروشنده معین نکرده، مال را پس دهد یا تفاوت قیمت بگیرد(۱).

### موارد تفاوت قیمت

در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال، عیبی دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند؛ ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد :

اول: مشتری بعد از معامله در مال تغییری دهد؛ به

ص: ۸۵

طوری که عرفاً گفته شود مال به حالت اولی خود باقی نمانده است.

دوم: مشتری بعد از معامله بفهمد مال، عیب دارد و فقط حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

سوم: بعد از تحویل گرفتن مال، عیب دیگری در آن پیدا شود.<sup>(۱)</sup>

## تاریخ مصرف

یکی از مصادیق عیب، «انقضای تاریخ مصرف» است. در زمان ما مقوله تاریخ مصرف کالا به صورت نوعی ضرورت در آمده است. این نکته در مورد اجناس سوپرمارکت ها و بقالی ها از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا بیشتر اجناس این فروشگاه ها را «خوراکی» تشکیل می دهند که با سلامت مردم در ارتباط مستقیم است.

بر این اساس، رعایت نکردن تاریخ مصرف، فروش جنس تاریخ گذشته و دست کاری بر چسب تاریخ مصرف؛ ضایع کردن حق الناس محسوب می گردد.

ص: ۸۶

---

۱- ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش از گذشتن سه روز عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، باز هم می تواند آن را پس دهد و نیز اگر فقط خریدار تا مدتی حق به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت، مال عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، می تواند معامله را به هم بزند (توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۴۶).

### اشاره

از اجناس قابل توجه موجود در سوپرمارکت ها، مایعات (آب میوه، شیر، عرقجات و...) می باشد. بر این اساس، بحثی مستقل در این زمینه لازم خواهد بود.

### شیر

شیر حیوانات، دارای احکامی است:

۱. شیر هر حیوان تابع همان حیوان است؛ مثلاً شیر حیوان حلال گوشت، مانند گوسفند و گاو، حلال است و شیر حیوان حرام گوشت، مانند سگ و خوک، به تبع آن ها نجس است.

نیز اگر حیوان حلال گوشتی حرام شود (مثل این که انسانی با آن نزدیکی کند) شیر آن حیوان به تبع گوشتش

۲. اگر شیر نجس شود، پاک نمی شود؛ حتی اگر آن را به صورت پنیر در آورند و در آب بگذارند. (۲)

۳. آب ریختن در شیر، مصداق خیانت و غش در معامله و حرام است. (۳)

۴. مبادله شیر به شیر اگر یک طرف کمتر باشد حرام و باطل است؛ مثل مبادله ده کیلو شیر به هشت کیلو؛ یا مثلاً معامله ده کیلو شیر با پنج کیلو پنیر یا کره، حرام و باطل است؛ زیرا مشتقات شیر در حکم شیر هستند و نباید هنگام معاوضه یک طرف کمتر و یک طرف بیشتر باشد. پس در این گونه موارد، باید دو معاوضه مستقل صورت گیرد. (۴)

۵. اگر در شهری یکی از غذاهای مردم شیر به حساب آید، انسان می تواند در عید فطر سه کیلو شیر به ازای هر نفر از اعضای خانواده به عنوان زکات فطره به فقیر پردازد. (۵)

۶. شیر و مشتقات آن، اگر از خارج کشور حتی کشور های کفر وارد شود، حلال است؛ مگر به نجاست یا حرمت آن

ص: ۸۸

---

۱- نجاه العباد، ص ۲۲۷.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۴.

۳- نجاه العباد، ص ۲۲۴.

۴- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۵۹.

۵- زیرا معیار، قوت غالب بودن است.

## روغن

در مورد روغن ها، چند نکته قابل تذکر است:

۱. چنانچه روغن سفت باشد و چیز نجسی در آن بیفتد، همه روغن متنجس نمی شود، بلکه همان چیز نجس و مقداری از روغن های اطراف آن برداشته می شود و بقیه پاک است. اما اگر روغن، مایع باشد و چیز نجسی در آن بیفتد، تمام آن روغن متنجس می شود و قابل تطهیر نیست.

۲. روغنی که از بدن حیوان گرفته شده تابع همان حیوان می باشد. پس روغن بدن حیوان حلال گوشت، حلال و روغن بدن حیوان حرام گوشت، حرام است.

۳. مخلوط کردن روغن مرغوب و نامرغوب و فروختن آن به عنوان جنس مرغوب، مصداق غش در معامله می باشد.

۴. مبادله کردن - مثلاً - ده کیلو روغن به دوازده کیلو، حرام و باطل است؛ زیرا از جهت ربوی بودن، همه روغن ها، جنس واحد محسوب شده و مصداق بیع ربوی خواهد بود.

۵. روغن هایی که از کشور های کفر وارد می شود، پاک است و استفاده از آن ها اشکال ندارد، به دو شرط:

الف) از بدن حیوانات نباشد؛

ص: ۸۹



ب) به متنجس بودن آن ها یقین نداشته باشیم.

## مست کنندگی

در مورد خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده توجه به چند امر لازم می باشد :

۱. فقها فرموده اند: «کل مسکر حرام؛(۱) یعنی هر چیز مست کننده حرام است». بر این اساس، خرید و فروش خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده حرام و معامله باطل می باشد.

۲. اگر چیز مست کننده، در اصل خود(۲) مایع هم باشد، علاوه بر حرمت، نجس هم خواهد بود. بنابراین، شراب و هر چیزی که مانند آن از اول مایع بوده، حرام و نجس است؛ بدین صورت که اگر به فرش، لباس و... برسد، آن ها را متنجس می کند.

۳. در حرمت استفاده از خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده تفاوتی نیست بین این که:

الف) کم باشد یا زیاد؛ مثلاً فقها می فرمایند: اگر یک قطره شراب در یک پارچ آب بیفتد، نوشیدن آن آب جایز نیست؛

ص: ۹۰

---

۱- این عین تعبیر روایت است (کافی، ج ۶، ص ۴۰۷).

۲- نه این که در ابتدا جامد یا پودر بوده و بعداً آن را به صورت مائع در آورده باشند.

ب) پودر باشد یا جامد یا مایع یا گاز؛

ج) طبیعی باشد یا شیمیایی و مصنوعی؛

د) از انگور باشد یا خرما یا عسل یا غیر این ها؛

هـ) شب عروسی باشد یا در شب نشینی ها یا محافل دیگر؛

و) به طور خصوصی مصرف شود یا در ملاء عام.

## آبجو

آبجو، نجس و نوشیدن آن حرام است و در حکم مزبور تفاوتی نیست بین این که در بازار مسلمان ها یافت شود یا در بازار کفار. نیز تفاوتی نیست بین این که تولید داخل کشور اسلامی باشد یا تولید خارج از آن.

البته فقها فرموده اند «ماء الشعیر» ی که در بازار مسلمان ها یافت می شود، پاک است و نوشیدن آن اشکال ندارد، مگر آن که یقین حاصل شود «آبجو» است.

## آب میوه

### اشاره

«آب میوه» دارای احکامی است:

۱. همه آب میوه ها پاک و خوردن آن ها حلال است؛ اعم از این که تولید داخل کشور باشند یا خارج از کشور؛

۲. آب میوه، پاک کننده اشیای نجس نیست و نیز

نمی توان با آن وضو گرفت یا غسل کرد؛

۳. اگر آب میوه متنجس شود، قابل تطهیر نیست؛

۴. چنانچه انگور یا آب آن، به جوش آید، حرام می شود؛ مگر این که دو ثلث آب آن تبخیر گردد. از این رو، آشپزهای محترم نباید داخل غذای در حال جوشیدن، انگور یا آب انگور بریزند.

توضیح مطلب آن که مراجع تقلید فرموده اند: اگر انگور یا آب انگور جوش آید، چنین غذایی متنجس و مست کننده نیست؛ (۱) ولی حرام می شود. حرمت این غذا تا وقتی باقی است که دو سوم آب آن تبخیر نشده باشد؛ ولی پس از این که دو سوم آبش تبخیر شد، حلال می گردد.

این مطلب مختص انگور و آب انگوری است که جوش آمدن آن معلوم باشد؛ و لذا موارد ذیل حلال است:

(الف) غوره و آب غوره جوش آمده؛

(ب) سرکه جوشیده؛

(ج) خرما، کشمش و مویز پخته شده؛

(د) غذایی که از جوش افتاده و سپس داخل آن، انگور یا آب انگور ریخته شود؛

ص: ۹۲

---

۱- تنها یک نفر از فقها در زمان ما بنا بر احتیاط واجب به نجس شدن قائل می باشند که در این زمینه می توان از فقهایی که به طهارت قائل هستند، تقلید کرد.

ه- ( لیمو و آب لیموی جوشیده؛

و انگور و آب انگوری که جوشش آن معلوم نباشد.

امام خمینی می نویسند: اگر معلوم نشود که آب انگور جوش آمده، حرام نیست، پس اگر انگور در غذایی بریزند و آن غذا جوش بیاید، چون معلوم نیست که آب داخل انگور جوش آمده، حلال است (۱).

سؤال: چنانچه فرض کنیم در یک کیسه غوره، چند خوشه انگور وجود داشته باشد، اگر چنین آب غوره ای به جوش آید، یا داخل غذای در حال جوش ریخته شود، آیا باز حرام خواهد شد؟

پاسخ: وجود چند دانه یا خوشه انگور، اشکالی ایجاد نمی کند تا وقتی که به آن، آب غوره گفته شود و از صدق آب غوره بودن، خارج نگردد.

فقها می فرمایند: اگر - مثلاً - در یک خوشه غوره یک یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود، «آب غوره بگویند» و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است (۲).

ص: ۹۳

---

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۰.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۳

اول: در حکم مزبور (حرام بودن انگور و آب انگور به جوش آمده و نیز غذایی که در داخل آن، یکی از این دو ریخته شود) آتش خصوصیت ندارد، بلکه به هروسيله ای که جوشش حاصل شود، همان حکم مترتب می گردد؛ حتی اگر فرض کنیم به وسیله سرخ کردن انگور، جوشش پدید آید.

دوم: برخی از فقها مانند امام خمینی تفاوت گذاشته اند بین این که آب انگور به خودی خود جوش آید که در این صورت (بنا بر احتیاط) باید به سرکه تبدیل گردد تا حلال شود؛ و این که با آتش جوش بیاید که در این صورت با تبخیر شدن دو سوم آب آن حلال می شود<sup>(۱)</sup>.

سوم: اگر انگور یا آب آن، به «شراب» تبدیل شود، حرام و نجس می شود؛ اعم از این که تبدیل شدن به شراب به وسیله آتش صورت گیرد یا خودبه خود یا به وسیله قرار گرفتن در نور خورشید و ضمناً حرمت و نجاست آن با تبخیر شدن دو سوم آب، از بین نمی رود؛ بلکه وقتی حلال و پاک می شود که به سرکه تبدیل گردد. در این صورت هم خودش پاک و حلال می شود و هم ظرفی که در آن قرار دارد، پاک می گردد و به شستن نیازی نیست<sup>(۲)</sup>.

ص: ۹۴

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۱

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۷

از اموری که رعایت آن‌ها در سوپرمارکت‌ها و خواربارفروشی‌ها فوق‌العاده ضروری است، «رعایت بهداشت» است.

امروزه در عُرف، از مواد غذایی سالم، به «مواد غذایی بهداشتی» تعبیر می‌شود.

این، همان است که فقها از آن به عنوان «سلامت» تعبیر کرده‌اند و سالم بودن هر جنسی را لازم و واجب دانسته‌اند.

یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که سلامت هر کالایی با همان جنس متناسب است. مثلاً تعریفی که از ماشین سالم ارائه می‌شود غیر از تعریفی است که از مواد غذایی

سالم ارائه می گردد.

باید اذعان داشت تشخیص سالم و معیوب بودن هر جنسی به عُرف همان صنف بستگی دارد؛ چرا که آن ها کالای سالم و معیوب را بهتر می شناسند.

در زمان ما، تعریف دقیق خوراکی و نوشیدنی سالم از ناسالم، بر عهده «اداره بهداشت» قرار دارد؛ زیرا با تنوع مواد غذایی، تشخیص سالم بودن مواد غذایی به کارشناسی دانشگاهی و مناسب نیاز دارد.

از این جا می توان به اهمیت کار اداره بهداشت پی برد؛ چرا که سلامت عمومی جامعه و بهداشت مردم به دست آنان است.

در حقیقت، «شرط سلامت» و «بهداشتی بودن» مواد غذایی، «شرطی ارتکازی» و به نوعی میان مردم مفروض است و کسی تصور نمی کند که فروشنده جنس ناسالم بفروشد و مشتریان نیز با این شرط، به خرید اقدام می نمایند<sup>(۱)</sup> لذا بر فروشندگان لازم و واجب است جنس سالم در اختیار مشتریان قرار دهند.

لازم است تأکید کنیم که اداره بهداشت نسبت به ردّ و تأیید سلامت و بهداشتی بودن کالا مسئول است؛ ولی حق جلوگیری از کسب و کار مردم را ندارد؛ مگر آن که تخلف

ص: ۹۶

از قانون ثابت شود. بر این اساس، کار مندان بهداشت به صرف دریافت گزارش مبنی بر عدم رعایت نکات بهداشتی نمی توانند نسبت به تعطیلی فروشگاه اقدام کنند؛ بلکه لازم است آموزش و هدایت نسبت به مسائل بهداشتی را سر لوحه و در اولویت کار های خود قرار دهند.

دولت اسلامی نیز موظف است بر مأموران بهداشت و عملکرد آنان نظارت کند تا آنان به اخذ رشوه و ایراد گیری های بی جا در کارهای تجاری مبادرت نکنند و چنانچه نهادهای نظارتی با موردی از رشوه گیری یا رابطه بازی مأموران بهداشت برخورد کردند نسبت به ارجاع آنان به مراجع قضایی اقدام کنند.

### **مصادیق بهداشت**

شاید «مصادیق نکات بهداشتی» امری بدیهی به نظر آید؛ ولی طرح برخی از مصادیق خالی از فائده نیست که به چند مصداق اشاره می شود:

۱. بعضی از خوراکی ها به گونه ای است که نباید بدون دستکش به آن ها دست زد. بنا بر این، فروشندگان در سوپرمارکت ها، خواربار فروشی ها و بقالی ها، لازم است به نکته مذکور توجه داشته باشند.

۲. فروشندگان محترم، لازم است پس از سرویس



بهداشتی، دست های خود را با آب و صابون بشویند.

۳. بعضی از خوراکی ها طوری است که اگر روی زمین بریزد، جمع کردن آن ها از روی زمین، امری خلاف بهداشت تلقی می شود. در این زمینه رعایت دقت لازم است.

۴. لازم است فروشندگان محترم از مخلوط شدن خوراکی ها و نوشیدنی ها با مواد فاسد یا غیر خوراکی و نوشیدنی، جداً جلو گیری کنند.

۵. حشرات گرچه پاک هستند؛ نشستن آن ها بر روی مواد غذایی خوراکی ها، قابل اغماض نیست.

۶. برخی از خوراکی ها و نوشیدنی ها لزوماً می بایست در یخچال یا فریزر نگهداری شود؛ غفلت از این امر قطعاً با بهداشت منافات دارد.

### **سخنی با اداره بهداشت**

کسانی که در مراکز نظارتی بهداشتی تلاش می کنند لازم است به اموری توجه ویژه داشته باشند:

اول: مسئولینی که به فروشگاه های مواد غذایی سرکشی می کنند، لازم است دقت مناسب را به کار برده از هرگونه پارتی بازی و «گزینه ای» عمل کردن خودداری کنند؛ وگرنه درآمد و کسب آنان حرام خواهد بود؛ زیرا ایشان برای تأمین سلامت عمومی استخدام شده؛ لذا موظف هستند

همسو با آنچه برای آن به کار گرفته شده اند، به طور صحیح انجام وظیفه کنند. (۱)

دوم: از افراط و تفریط خود داری کرده؛ بر اساس آنچه به طور متعارف قانون در دستور کار خود دارند، مشی کنند. در غیر این صورت، یا ظلم بر صنف فروشندگان مواد غذایی نموده، یا ستم بر مصرف کننده روا داشته اند.

سوم: دریافت رشوه و کتمان حقیقت، از گناهان بزرگ به شمار می رود. خدمت گذاران بهداشت عمومی لازم است به این نکته توجه داشته باشند که چنانچه آنان، حقی را باطل جلوه دهند و یا باطلی را به صورت حق نمایان سازند، در آمد حرام دارند.

به این حدیث توجه نمایید: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ» (۲). رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که بین آن دو وساطت، می کند ملعون می باشند».

چهارم: دروغ و گزارش نادرست به مقامات قضایی و به کار بردن حُب و بغض ها، هم گناه است، هم ضمان آور.

ص: ۹۹

---

۱- همه فقیهان بزرگوار بر این فتوا می باشند که اجیر باید طبق قرار داد خود عمل نموده در کار خود کوتاهی نکند.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴.



از مباحث عمده در باب معاملات که در همه مشاغل و مسئولیت‌ها؛ از جمله با سوپرمارکت‌ها و خواربارفروشی‌ها ارتباط مستقیم دارد، مسئله «کم فروشی» است.

در این زمینه نکاتی مشروحاً بیان می‌گردد:

### کم فروشی از منظر قرآن

برای پی بردن به بزرگی گناه کم فروشی کافی است این نکته را از منظر قرآن بنگریم:

۱. سوره ای از قرآن به «مطففین» (کم فروشان) اسم گذاری شده و همگان را از این معصیت، بیم داده است. در آغاز سوره آمده است:

ص: ۱۰۱

«وَيُلِّلُ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱) وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانانه یا وزن کنند، کم می گذارند! آیا آن ها گمان ندارند که برانگیخته می شوند؛ در روزی بزرگ؛ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند (۲)؟!

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

خداوند در مورد «کیل»، فرموده است: «وَيُلِّلُ لِلْمُطَفِّفِينَ». کلمه «ویل» از منظر قرآن در مورد کسی به کار نمی رود، مگر این که او کافر به شمار رود (۳)؛ زیرا خدای عز و جل می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

ص: ۱۰۲

---

۱- مطففین: ۱-۶.

۲- ترجمه آیت الله مکارم.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۱: و أنزل فی الکیل «وَيُلِّلُ لِلْمُطَفِّفِينَ» و لم يجعل الویل لأحد حتی یسمیه کافرا، قال الله عز و جل: فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ.

البته بدیهی است مقصود امام باقر علیه السلام، آن نیست که شخص کم فروش کافر فقهی است، بلکه کنایه از بزرگی گناه آن است.

۲. «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۲)»؛ و خداوند آسمان را برافراشت و میزان و قانون گذاشت، تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

۳. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۳)»؛ و هنگامی که پیمان می کنید، حق پیمانه را ادا کنید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

ص: ۱۰۳

---

۱- مریم: ۳۷: «وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ [قیامت]»

۲- الرحمن: ۷-۹.

۳- اسراء: ۳۵

ذکر دو نمونه تاریخی از کم فروشان، می تواند پلید بودن این عمل را بیشتر بیان کند:

### الف) قوم حضرت شعیب علیه السلام

بر اساس گواهی قرآن و تاریخ، لبه تیز مبارزه حضرت شعیب (علی نبینا و آله و علیه السلام) بعد از مبارزه با شرک، متوجه کم فروشی بود. سرانجام آن قوم ستمگر به دلسوزی های شعیب اعتنایی نکردند و به عذاب شدید الاهی گرفتار و نابود شدند. قرآن می فرماید:

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَآؤُفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱)»؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم [گفت: ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است. بنا بر این، حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از

ص: ۱۰۴

آن که { در پرتو ایمان و دعوت انبیا {اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است. اگر با ایمان هستید..

### (ب) مردم مدینه قبل از هجرت

مردم مدینه قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بسیار کم فروش بودند؛ ولی پس از نزول آیات سوره مطففین از روش خود برگشتند. نقل شده است شخصی در مدینه به نام «ابوجهینه» دارای دو پیمانہ بود که از یکی هنگام خرید استفاده می کرد و از دیگری وقت فروش! (۱)

### مصادیق کم فروشی

نمی توان کم فروشی را به مصادیق خاصی منحصر کرد؛ زیرا انواع خیانت ها در مقام معامله (به خصوص با ابزارهای پیشرفته ای که در زمان ما وجود دارد) به حدی است که شاید نتوان فهرستی برای آن ها ارائه کرد و چه بسا براساس فرموده قرآن: *بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ*؛ (۲) انسان خودش از وضع خود آگاه است، هر چند [در ظاهر] برای خود عذرهایی بتراشد!؛

ص: ۱۰۵

---

۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷۸

۲- قیامه: ۱۴.



در بسیاری از موارد انسان زیرکانه! کم فروشی می کند و چه بسا جز خدا و خودش کسی به آن آگاه نباشد.

بر این اساس، مشخص است که فروش چه چیزهایی و نیز انجام دادن چه کارهایی «کم فروشی» محسوب می گردد، ولی از باب نمونه مواردی را بیان می داریم:

۱. ریختن آب در شیر؛

۲. ریختن آب در آب لیمو؛

۳. ریختن آب در آب میوه و هر مایع دیگر؛

۴. کم کردن وزن کالا، مثل این که به جای ۱۰۰۰ گرم، نهصد گرم بکشد؛

۵. مخلوط کردن جنس خوب و بد و فروختن به عنوان جنس مرغوب؛

۶. کمتر بودن وزن کالا نسبت به مقداری که روی آن نوشته شده است؛

۷. قرار دادن مرغ ذبح شده در آب تا داخل آن آب برود و سنگین شود؛

۸. دست کاری کردن ترازو و برهم زدن نظم آن.

### **غش در معامله**

«غش» در معامله، یکی از مصادیق کم فروشی به حساب می آید که در سابقه ای بسیار طولانی داشته و بر حسب

ص: ۱۰۶

اجناس مختلف دارای انواع گوناگون است.

بدیهی است غَشّ، دارای «تعریف شرعی» نبوده بلکه از منظر عرف تفسیر می شود.

غَشّ، عبارت است از هر نوع خیانت و فریبی که در مورد کالا یا عوض آن صورت گیرد.

البته از آن جا که در زمان حاضر، معاملات به وسیله پول انجام می شود، اصطلاح «غَشّ» بیشتر در مورد جنس فروخته شده (مبیع) به کار می رود نه بهای آن.

معصومین علیهم السلام در زمینه «غَشّ»، حساسیت نشان داده و مردم را از آن بر حذر داشته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، غَشّ کننده را جزء مسلمان ها به شمار نیاورده، فرموده اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

زینب حواء<sup>(۲)</sup>، عطر فروش نزد زنان پیامبر آمده بود. در این هنگام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشریف آوردند و ملاحظه کردند زینب نزد زنان ایشان است. آن حضرت خطاب به زینب فرمودند: هنگامی که به خانه ما می آیی، اتاق های ما خوشبو می شود!

ص: ۱۰۷

---

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۳.

۲- لوچ چشم.

زینب گفت: اتاق های تو به بوی خودت خوشبو تر است، ای پیامبر خدا! حضرت فرمودند: هر گاه می فروشی احسان کن و غش انجام مده. این روش به تقوا نزدیک تر و برای ماندن مال و برکت داشتن آن [بهتر است (۱)].

## ناخالصی

### اشاره

برخی از اجناس، ناگزیر همراه «ناخالصی» است، مانند بسته های بزرگ یا کوچک پنیر که مقداری آب در آن ها وجود دارد.

سؤال این است که آیا ناخالصی های مزبور، «عیب» یا «غش» محسوب شده و معامله را دارای اشکال می کند یا نه؟

پاسخ این است که ناخالصی های موجود دو دسته اند:

الف) ناخالصی به مقدار متعارف: مانند این که در یک کیلو پنیر، فلان مقدار آب لازم است، در این صورت معامله به قوت خود باقی است و خدشه ای بر آن وارد نمی گردد.

ص: ۱۰۸

---

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۱: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَتْ زَيْنَبُ الْعَطَّارَةُ الْخَوْلَاءُ إِلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ عِنْدَهُمْ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَيْتَنَا طَابَتْ بُيُوتُنَا فَقَالَتْ بُيُوتُكَ بَرِيحُكَ أَطِيبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَعْتَ فَأَحْسِنِي وَ لَا تَغْشِي فَإِنَّهُ أَنْتَقَى لِلَّهِ وَ أَنْتَقَى لِلْمَالِ».

ب) ناخالصی بیش از قدر متعارف: در این صورت مشتری می تواند معامله را برهم زند یا تفاوت قیمت بگیرد.

### استفتاء از آیت الله گلپایگانی

از تهران ۱۹ کیلو پنیر خریدم؛ در قم کشیدم، ۳ کیلو کسر آمد؛ یعنی در یخچال تهران از شدت برودت آب در جسم پنیر یخ بسته بود و در راه آب شده و سه کیلو آب خالص در آمده در این صورت فروشنده مدیون بنده هست یا خیر؟

جواب: اگر آب پنیر بیش از حد متعارف نبوده حقی به فروشنده ندارید (۱).

ص: ۱۰۹

### اشاره

یکی از مباحث معاملات، «پس آوردن» جنس یا به تعبیر فقهی، «فسخ معامله» می باشد. در برخی از فروشگاه ها نوشته اند: «جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود». مباحثی در این زمینه شایسته طرح است:

### لزوم

یکی از خصوصیات خرید و فروش این است که پس از عقد معامله، معامله «لازم» است و نمی توان آن را بر هم زد. به تعبیر دیگر: زمینه اولیه در همه خرید و فروش ها، التزام به آن ها و عدم فسخ است؛ مگر آن که امری بر خلاف آن پیش آید.

ص: ۱۱۰

علامه حلی (۱) در زمینه لزوم معاملات استدلالی نیکو بیان نموده، می فرماید:

۱. غرض از مشروعیت معاملات، نقل و انتقال و تبادل املاک می باشد و چنانچه هر یک از فروشنده و خریدار، هرگاه اراده کنند، بتوانند معامله را بر هم زنند، هدف مزبور به دست نخواهد آمد.

۲. هدف فروشنده و خریدار این است که بتوانند در آن چه بدان ها منتقل شده، تصرف کنند (۲) و این مقصد در موردی به دست می آید که آن دو در امنیت کامل بوده، بتوانند بر ملکیت خود اعتماد کنند.

قابل ذکر است که آنچه علامه حلی بیان فرموده، مورد اتفاق فقها و مراجع تقلید است و هیچ یک از دانشمندان فقه، در آن خدشه ای وارد نکرده است.

بر این اساس، قانون اولیه در تمام انواع خرید و فروش ها این است که پس از انجام معامله نمی توان آن را بر هم زد.

ص: ۱۱۱

---

۱- متوفای ۷۲۶هـ-، ق.

۲- تذکره الفقها، ج ۱۱، ص ۵: «الأصل فی البیع اللزوم، لأنّ الشارع وضعه مفيداً لنقل الملك من البائع إلى المشتري، والأصل الاستصحاب، والغرض تمكّن كلّ من المتعاقدين من التصرف فيما صار إليه، و إنّما يتمّ باللزوم ليأمن من نقض صاحبه عليه».

قانون لزوم در معاملات، دارای سه استثنا است:

۱. اصل معامله از سوی دین، به صورت «عقد جایز» (عقدی که یکی از دو طرف بتواند آن را فسخ کند) وضع شده باشد. مانند عقد «جُعَاله (۱)» و «هبه (۲)».

۲. عقد لازم باشد؛ ولی دو طرف معامله (فروشنده و خریدار) توافق کنند معامله را به هم زنند که از آن به «اقاله» تعبیر می‌گردد (۳).

۲. عقد لازم باشد؛ ولی یکی از مجوزهای چهارده گانه که از آن‌ها در اصطلاح فقهی، به «خيارات» تعبیر می‌شود، وجود داشته باشد.

ص: ۱۱۲

۱- عقدی که در آن، طرف قرار داد، معین نیست مانند این که فردی اعلام کند هر کس ماشین من را پیدا کند، مژدگانی دریافت می‌کند.

۲- «هبه» عبارت است از: بخشیدن مال به دیگری. این عقد، هر لحظه قابل فسخ است، به جز در چهار مورد: ۱. کسی که مال به او بخشیده شده در آن تصرف کند؛ ۲. هبه معوضه باشد، یعنی هر یک از طرفین، مالی را متقابلاً به یکدیگر هدیه دهند؛ ۳. کسی که مالی به او بخشیده شده رحم (قوم و خویش نسبی) باشد؛ ۴. مال هدیه شده از جانب شوهر به همسرش یا به عکس باشد. (الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۳، ص ۱۹۴).

۳- قابل ذکر است که «اقاله» در همه عقود جریان ندارد؛ مثلاً عقد نکاح و زوجیت را بااقاله نمی‌توان برهم زد؛ بلکه اگر عقد دائم باشد، با اجرای طلاق و اگر عقد موقت باشد با گذشت یا بخشیدن مدت از جانب زوج، قابل برهم خوردن است.

در غیر سه صورت مزبور، معامله لازم و قطعی است و دو طرف باید بر قرار خود باقی بمانند.

## مجوز های چهارده گانه برای فسخ

### اشاره

فقها چهارده گونه حق فسخ بیان کرده اند:

#### ۱. حق فسخ مجلس

فروشنده و خریدار تا وقتی در مجلس (جایی که در آن جا خرید و فروش انجام شده است، مانند مغازه و فروشگاه) هستند، می توانند معامله را بر هم زنند. قابل ذکر است چنانچه بائع و مشتری با هم از مجلسی که در آن، بیع انجام شده است، خارج شوند، ولی هنوز از هم فاصله نگرفته اند؛ این اختیار به حال خود باقی است.

#### ۲. حق فسخ غبن

اگر فروشنده به کمتر از قیمت بازار بفروشد یا مشتری گران تر از قیمت بازار بخرد و پس از معامله متوجه این نکته شوند؛ در این صورت، هر کدام که مغبون شده است می تواند معامله را بر هم زند به شرط آن که تفاوت، قابل توجه باشد و در هنگام معامله از نرخ بازار اطلاع نداشته اند.

ص: ۱۱۳



## ۳. حق فسخ عیب

چنانچه جنس، یا آن چه در مقابل آن پرداخت می شود معیوب باشد و طرف مقابل اطلاع نداشته باشد، او می تواند تفاوت قیمت بگیرد یا معامله را بر هم زند. تذکر لازم این که تشخیص «عیب» به نظر عرف یا کار شناس است.

## ۴. حق فسخ شرط

فروشنده و خریدار می توانند در ضمن قرار داد، شرط جواز فسخ بگذارند؛ بدین معنی که هر دوی آنان می توانند زمانی را برای فسخ احتمالی معین کنند. این حق می تواند برای یکی از آن ها نیز اختصاص یابد.

## ۵. حق فسخ تخلف شرط

چنانچه در قرار دادبیع، چیزی ضمن عقد، شرط گردد و آن شرط حاصل نشود، طرفی که به نفع او شرط شده است می تواند معامله را فسخ کند. مثلاً اگر فروشنده، ضمن فروش خانه شرط کند که مشتری علاوه بر پول خانه، باید فلان فرش خود را به فروشنده هدیه دهد و مشتری هم بپذیرد؛ چنانچه بعداً مشتری به هدیه دادن فرش خود حاضر نگردد، فروشنده می تواند معامله خانه را بر هم زند. هم چنین اگر شرط شود که جنس فروخته شده یا آن چه در مقابلش پرداخت می گردد، دارای کیفیتی خاص باشد و بعداً معلوم

شود آن کیفیت وجود ندارد.

#### ۶. حق فسخ تدلیس

اگر یکی از دو طرف معامله، مال خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد؛ به طوری که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود؛ در این صورت، طرف مقابل پس از اطلاع می تواند معامله را فسخ کند.

#### ۷. حق فسخ رؤیت

اگر مشتری جنسی را که در صدد خرید آن است، ندیده، بلکه برای او توصیف کرده اند و پس از خریدن، ملاحظه کند ویژگی هایی که برای او بیان کرده اند وجود ندارد؛ مشتری می تواند بیع را بر هم زند. همین طور است اگر مشتری قبلاً آن جنس را دیده و بر همان اساس بخرد و پس از معامله ملاحظه کند که جنس تغییر کرده و اوصافی را که قبلاً دیده است وجود ندارد.

آن چه نسبت به بایع گفته شد، در مورد چیزی که به وی منتقل می گردد نیز جریان دارد.

#### ۸. حق فسخ تبعض صفت

اگر مشتری مثلاً دو جنس را با هم خریداری کند و به هر علتی یکی از دو آن جنس قابل تحویل گرفتن نباشد،

مشتری مُلزم نیست جنس دیگر را خریداری کند بلکه می تواند معامله در مورد جنس دیگر را هم فسخ کند.

#### **۹. حق فسخ تأخیر**

اگر جنس خاصی فروخته شده، ولی هنوز تحویل مشتری نگردیده است و شرط تأخیر در پرداخت کالا یا عوض آن نشده باشد، در این صورت، تا سه روز معامله لازم است و اگر مشتری در این سه روز مراجعه کرد، نسبت به آن کالا اولویت دارد؛ ولی پس از سه روز، فروشنده می تواند معامله را فسخ کند و آن جنس را به دیگری بفروشد.

#### **۱۰. حق فسخ حیوان**

اگر جنس فروخته شده یا آن چه در مقابل جنس فروخته شده پرداخت می گردد، حیوان باشد؛ هر کسی که حیوان به او منتقل می گردد تا سه روز حق فسخ معامله را دارد.

#### **۱۱. حق فسخ شرکه**

چنانچه فروشنده یا خریدار پس از قرار داد متوجه شود در مالی که به او منتقل شده با شخص دیگری شریک شده، می تواند شراکت را نپذیرفته، معامله را بر هم زند.

#### **۱۲. حق فسخ تعذر تسلیم**

هرگاه جنس یا عوض آن، از قابلیت پرداخت و تحویل

خارج گردد، طرف مقابل می تواند معامله را بر هم زند؛ مثل این که ماشین سرقت شود یا پرنده پرواز کند و قابل دسترسی نباشد.

### ۱۳. حق فسخ آنچه زود فاسد می شود

اگر جنس فروخته شده از اشیایی است که زود فاسد می شوند در این صورت، چنانچه مشتری برای بردن آن اقدام نکند و فروشنده ملاحظه کند که آن چیز فاسد خواهد شد، می تواند آن را به دیگری بفروشد؛ گرچه پول آن را از مشتری دریافت کرده باشد. البته باید پول مشتری اول را به وی برگرداند.

### ۱۴. حق فسخ تفلیس

اگر فروشنده پول را از مشتری دریافت نکرده و پس از معامله متوجه شود مشتری «مُفْلَس» شده است، در این صورت او بین دو گزینه مخیر است: یکی این که معامله را بر هم زده جنس فروخته شده را از وی باز پس گیرد و دیگری این که به معامله وفادار بماند و برای دریافت پول خود در کنار بقیه طلبکاران صبر کند، که در این صورت، یکی از طلبکاران محسوب می شود تا هروقت سهم هر یک از طلبکاران پرداخت شود، سهم او نیز پرداخت گردد.

ص: ۱۱۷

«اقاله» عبارت است از این که چنانچه یکی از دو طرف معامله (فروشنده یا مشتری) از معامله خود پشیمان شود و تقاضای فسخ کند، طرف مقابل این تقاضا را بپذیرد که البته این کار از نظر فقها امر مستحبی است.

اینک ابراز می داریم فقها فرموده اند: قبول تقاضای طرف مقابل و فسخ معامله مستحب است.

به این روایت توجه کنید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَيُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِمًا فِي بَيْعِ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به تقاضای طرف مقابل اقاله نموده، معامله را برهم زند، خداوند نیز لغزش ها و گناهان وی را در روز قیامت خواهد بخشید..

ص: ۱۱۸

۱. قرآن مجید.

۲. قراگزلو، علیرضا، اسباب النزول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۳. استفتائات، آیت الله بهجت، نشر دفتر آیت الله بهجت، ۱۴۲۸ ق.

۴. استفتائات جدید، آیت الله مکارم، ناصر، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۷ ق.

۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء.

۶. خمینی، روح الله، توضیح المسائل محشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ ق.

۷. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه دار العلم.

۸. علامه حلی، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق.

۹. خمینی، روح الله، توضیح المسائل، ۱۴۲۶ ق.

۱۰. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۱. شهيد ثانی، الروضه البهيه فی شرح اللمعه دمشقيه، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۲. علامه حلی، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. کلینی، کافی، دار الاسلامیه، تهران.
۱۴. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، نشر دلیل، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
۱۶. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۷. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. خمینی، روح الله، نجاه العباد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.
۲۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

